

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، شماره ۳۰

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۱۴۰-۱۰۳

## اعتبارسنجی روایات ابوبصیر در الغیبة نعمانی

کاظم استادی\*

### چکیده

محمد بن ابراهیم نعمانی، متکلم و محدث شیعی قرن چهارم هجری است که مشهورترین و قابل اعتمادترین و در دسترس ترین اثر وی، کتاب/الغیبة اوست؛ که در اوایل دوره غیبت کبری و با به درازا کشیده شدن غیبت امام زمان علیه السلام نگارش یافته است. با توجه به اینکه بیشترین میزان روایات مهدویت و غیبت، متعلق به شخص ابوبصیر است و در کتاب/الغیبة نعمانی نیز، حدود ۱۱ راوی بیشترین میزان روایات (یعنی ۵۱ روایت) را از او به خود اختصاص داده‌اند، و با توجه به این تعداد زیاد روایات ابوبصیر درباره مسئله غیبت و مهدویت، سؤالاتی پیش روی ما قرار می‌گیرد که: چرا بیشتر روایات غیبت، از ابوبصیر هستند؟ آیا این وضعیت ارتباطی به فرقه های انحرافی ایجادشده در زمان صادقین علیهم السلام و مسئله غیبت و مهدویت ندارد؟ و از سوی دیگر، آیا این روایات معتبرند؟ در نوشتار حاضر، ضمن گزارش آماری روایات ابوبصیر، به بررسی وضعیت رجالی او و راویان او در/الغیبة نعمانی پرداخته شده است؛ و در انتها نتیجه گیری شده است که بیشتر روایات او، از طریق فرقه واقفیه به کتاب/الغیبة سرایت نموده است؛ و این روایات مهدوی، معتبر نیستند.

کلیدواژه‌ها: الغیبة نعمانی، ابوبصیر، واقفیه، روایات مهدوی، غیبت.

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران / kazemostadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

## ۱. درآمد

محمد بن ابراهیم نعمانی، معروف به ابن ابی‌زینب (م ۳۶۰ق)، متکلم و محدث شیعی قرن چهارم، و از شاگردان ممتاز کلینی به شمار می‌رود و در روزگاری که وی در بغداد بوده، نعمانی هم در آن شهر می‌زیسته، و از محضر کلینی بهره برده است. همچنین، نعمانی بخش زیادی از کتاب کافی کلینی را نوشته است و شاید از این رو به کاتب شهرت یافته باشد (نک: آقابزرگ تهرانی، بی‌تا: ج ۱۶، ۷۹).

نخستین کسی که هرچند به اختصار از نعمانی یاد کرده و موقعیت وی را بازگفته، نجاشی است که او را ستوده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۸۳). علامه مجلسی نیز او را از فقهای بزرگ و فاضل کامل پرهیزکار خوانده است (مجلسی، بی‌تا: ج ۱، ۱۴ و ۴۰). مشهورترین و در دسترس‌ترین اثر نعمانی، کتاب الغیبه اوست؛ که در اوایل غیبت کبری و با به درازا کشیده شدن غیبت امام زمان علیه السلام، به خاطر رایج شدن آشفتگی فکری و تزلزل اعتقادی میان شیعیان، نگارش یافته است.

نعمانی در الغیبه به تبیین امر امامت و راز غیبت امام دوازدهم پرداخته است. طبق قراین، کتاب الغیبه به سال ۳۴۲ق در حلب تألیف شده و اکنون، در نسخه‌های موجود آن، دارای حدود ۲۶ باب و ۴۴۵ حدیث است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: فهرست)\*.

تنها راوی کتاب الغیبه نعمانی، ابوالحسین محمد بن علی شجاعی (یا بجلی) است؛ که البته مجهول می‌باشد و هیچ‌گونه توثیقی درباره‌اش وارد نشده است. فعلاً و در این مجال، درصدد بررسی این مسئله نیستیم و با فرض توثیق وی و صحت صدور کتاب از نعمانی، به مسئله اعتبارسنجی روایات ابوبصیر در الغیبه می‌پردازیم.

### ۱-۱. طرح مسئله

کثیرالروایه‌ترین راوی حدیث شیعی در قرن دوم هجری، ابوبصیر است؛ از او حدود چهار هزار روایت نقل شده است (نک: خویی، ۱۹۸۳م: ج ۲۱، ۴۵، ۳۰۰ و ج ۱۴، ۱۳۹، ۱۵۱، ۳۷۲). از سوی دیگر، بیشترین میزان روایات مهدویت و غیبت، متعلق به شخص ابوبصیر است؛ این مسئله در کتب متقدم پیرامون امام زمان علیه السلام همانند الغیبه نعمانی با بیش از ۵۱ روایت، کمال‌الدین ابن بابویه با حدود ۳۸ روایت و الغیبه شیخ طوسی با حدود ۳۰ روایت، قابل مشاهده است.

در کتاب *الغیبة نعمانی*، یازده راوی، بیشترین میزان روایات را به خود اختصاص داده‌اند؛ که ابوبصیر چند برابر هرکدام از ایشان، روایت نقل نموده است. برای نمونه جابر بن یزید، ابان بن تغلب، عبدالله بن سنان، هشام بن سالم و ابوحمزه الثمالی، هرکدام ۹ روایت، جابر بن سمرة و زرارة بن أعین، هرکدام ۱۱ روایت، محمد بن مسلم و زیاد بن المنذر، هرکدام ۱۳ و ۱۴ روایت، المفضل بن عمر ۲۲ روایت و ابوبصیر بیش از ۵۱ روایت.

اکنون با توجه به تعداد زیاد روایات ابوبصیر درباره مسئله غیبت، این سؤالات پیش روی ما قرار می‌گیرد که چرا بیشتر روایات غیبت، از ابوبصیر هستند؟ آیا این وضعیت، ارتباطی به فرقه‌های ایجادشده در زمان صادقین علیهم‌السلام و مسئله غیبت و مهدویت ندارد؟ آیا ابوبصیر راوی‌ای شناخته‌شده است؟ و ثقه و مورد اعتماد رجالیون است؟ آیا روایات ابوبصیر کتاب *الغیبة* معتبرند؟ بنابراین با توجه به اهمیت مسئله مهدویت و غیبت در مذهب امامیه، لازم است به بررسی اعتبارسنجی روایات ابوبصیر در کتاب *الغیبة نعمانی* پردازیم تا گوشه‌ای از این سؤالات روشن گردد.

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

مقالات، کتاب‌ها و آثار متعددی درباره بررسی یا معرفی کتاب *الغیبة نعمانی* وجود دارد که هرکدام به جنبه‌هایی از این کتاب، به‌عنوان آموزش یا نقد توجه داشته‌اند. برای نمونه، برخی آثار به بررسی راویان نهایی و مصادر نعمانی پرداخته‌اند؛ همانند مقاله «نعمانی و مصادر غیبت» (شیری زنجانی، ۱۳۸۰ش). برخی از آثار نیز بر اسناد بخش اندکی از احادیث نعمانی تأملاتی داشته‌اند؛ همانند «نقد و بررسی متنی و سندی احادیث باب پنجم کتاب *الغیبة نعمانی*» (فایضی، ۱۳۹۸ش). برخی از آثار نیز به جنبه‌های حاشیه‌ای و تحلیلی، یا رویکردهای تاریخی و کلامی *الغیبة نعمانی* پرداخته‌اند؛ همانند «اعتبار و تداول کتاب *الغیبة نعمانی*» (نادری، ۱۳۹۱ش) یا «تحلیلی درباره احادیث غیبت در کتاب *الغیبة نعمانی*» (مختاری، ۱۳۸۶ش).

اما هیچ‌کدام از این مقالات و آثار، به اعتبارسنجی روایات ابوبصیر *الغیبة نعمانی*، به‌وسیله «بررسی وضعیت رجالی» آن به‌صورت اختصاصی نپرداخته‌اند. مقاله حاضر، به نظر می‌رسد که اولین اثر در این موضوع و با این روش باشد.

## ۲. روایات ابوبصیر در کتاب الغیبة نعمانی

### ۱-۲. شمار روایات ابوبصیر

روایات کتاب الغیبة نعمانی با اسناد منتهی به ابوبصیر (بدون روایاتی که نام ابوبصیر در آنها افتادگی دارد) حدود ۵۱ روایت‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۷، ۵۱، ۶۲، ۶۷، ۸۵، ۹۴، ۹۶، ۱۳۸، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۸۸، ۱۹۴، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۶، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۵۳، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۴، ۳۰۷، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۳۰).

البته جدای از این روایات، برخی اندک روایت نیز وجود دارد که شخص ابوبصیر در روایت حضور فیزیکی دارد و یا اینکه راوی نهایی از امام علیه السلام نیست. مثلاً روایتی داریم که بر پایه آن، ابوبصیر از فردی به نام کامل روایت نقل می‌کند: «حَدَّثَنَا... عَنْ جَمِيعِ الْكِنَاسِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ كَامِلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ...» (همان: ۳۲۰). در برخی موارد هم ابوبصیر داخل در روایت است: «وَرَوَى عَنْ زُرَّارَةَ أَنَّهُ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَ عَنْ يَمِينِهِ سَيْدٌ وَوَلَدِهِ مُوسَى عليه السلام... وَ حُمْرَانَ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ دَخَلَ عَلَيْهِ الْمَفْضَلُ...» (همان: ۳۲۷).

### ۲-۲. موضوعات روایات ابوبصیر در الغیبة

در سخن از موضوعات روایات ابوبصیر در کتاب الغیبة نعمانی هم باید گفت که این روایات (بدون روایاتی که نام ابوبصیر در آنها افتادگی دارد) در ۱۵ موضوع‌اند؛ و بیشترین موضوع آن، «العلامات التي تكون قبل قيام القائم عليه السلام» با ۹ روایت است. موضوع این روایات را در جدول زیر می‌توان بازشناخت.

باب	موضوع	تعداد روایت
اول	وجوب صون سر آل محمد <small>عليهم السلام</small>	۱
دوم	فی الامامة تكون باختياره الله	۱
هشتم	أن الله لا يخلق أرضه بغير حجة	۱
دوازدهم	التمحيص و الامتحان	۱
بیست و یکم	أحوال الشيعة عند خروج القائم <small>عليه السلام</small>	۱
نوزدهم	رایة رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> تكون مع القائم <small>عليه السلام</small>	۲
بیست و پنجم	ما جاء فی أن من عرف إمامه لم يضره تأخر هذا الأمر	۲

باب	موضوع	تعداد روایت
بیستم	جیش الغضب و هم أصحاب القائم <small>علیه السلام</small>	۲
بیست و دوم	أن الاسلام بدأ غريبا و سيعود غريبا كما بدأ	۴
دهم	غیبة الامام المنتظر <small>علیه السلام</small>	۴
شانزدهم	المنع عن التوقیت و التسمیة لصاحب الأمر <small>علیه السلام</small>	۴
یازدهم	الصبر و انتظار الفرج	۵
چهارم	أن الأئمة اثنا عشر إماما	۶
سیزدهم	صفته الامام المنتظر <small>علیه السلام</small> و سیرته	۸
چهاردهم	العلامات التي تكون قبل قیام القائم <small>علیه السلام</small>	۹

### ۳-۲. برخی از آمارهای قابل توجه

چنانکه دیده می‌شود، حدود ۱۲ روایت نیز با توجه به قراین روایان قبل، به نظر می‌رسد که نام ابوبصیر در آن‌ها افتادگی دارد؛ بنابراین با این ۱۲ روایت احتمالی، جمع روایات ابوبصیر در کتاب الغیبة بیش از ۶۰ روایت است. نیز، از روایات ابوبصیر (بدون روایاتی که نام ابوبصیر در آن‌ها افتادگی دارد)، ۱۴ روایت به نقل از امام باقر علیه السلام و ۳۵ روایت به نقل از امام صادق علیه السلام است؛ و ۲ روایت نیز مجمل از هر دو امام درج شده‌اند.

همچنین می‌توان دریافت که با توجه به اسناد روایات موجود در الغیبة، این روایان از ابوبصیر نقل روایت نموده‌اند؛ که به ترتیب الفبا عبارت‌اند از: إِبْرَاهِيمَ بْنِ زِيَادٍ، ابْنِ مُسْكَانَ، أَبِي السَّقَاتِجِ، أَبِي الْمُغْرَاءِ، إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدٍ، الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ، ثَابِتِ بْنِ شَرِيحٍ، سَعْدَانَ بْنَ مُسْلِمٍ، سَعِيدُ بْنُ غَزْوَانَ، شُعَيْبُ الْحَدَّادِ، عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ، عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ، عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادِ الْأَنْصَارِيِّ، عَلِيُّ الْبَطَّائِنِيِّ، عَلِيُّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ، وَهَيْبُ بْنُ حَفْصٍ.

افزون بر این، مشهود است که دو مورد از اسناد، افتادگی قبل از ابوبصیر دارند؛ که طبق قراین و ظاهر اسناد دیگر، این شخص، عَلِيُّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ است. نیز، بیشترین روایت یک راوی از ابوبصیر در الغیبة، مربوط به عَلِيُّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ است با حدود ۱۴ روایت؛ که اگر روایاتی را که نام ابوبصیر در آن‌ها افتادگی دارد نیز محاسبه کنیم، حدود ۲۴ روایت از او خواهند شد. این موارد در جدول زیر نمایش داده شده‌اند.

صفحه	طبقه سوم	طبقه دوم	طبقه اول	تعیین احداث	معصوم (ع)
۳۲۲	آبِ مَالِكِ الْحَضْرَمِيِّ	آبِ الشَّافِعِ	آبِ نَصِيرِ		آبِ جَعْفَرِ وَ الرَّعْدِ اللَّهِ
۲۱۶	مُحَمَّدُ بْنُ عَصَامٍ	وَهَبُ بْنُ حَفْصِ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	آبِ جَعْفَرِ وَ الرَّعْدِ اللَّهِ
۳۲۲	أَلْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ الطَّنَازِيِّ	شُعَيْبُ الْخَدَّاءِ	آبِ نَصِيرِ		أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۵۵ تا	أَلْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ وَ زَيْنَبُ بْنُ حَفْصِ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
چهار تا	أَلْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ وَ زَيْنَبُ بْنُ حَفْصِ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	آبِ جَعْفَرِ (ع)
۲۱۰	أَلْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ الطَّنَازِيِّ	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ الْبَطَّانِيِّ	آبِ نَصِيرِ		آبِ جَعْفَرِ (ع)
۲۶۳	أَلْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۲۱۱	عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ عَنْ التَّمِيمِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ	-	آبِ نَصِيرِ	اسدی	آبِ جَعْفَرِ (ع)
۲۸۹ و ۲۸۹	عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۲۳۳ و ۲۸۹	أَلْحَسَنُ بْنُ حَبِيبِ	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۳۱۶	عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي هَاشِمٍ	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۳۱۵	عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	آبِ جَعْفَرِ (ع)
۹۶	يَحْيَى الْحَلْبِيُّ	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	آبِ جَعْفَرِ (ع)
۳۳۰ و ۲۲۲	-	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۱۸۸	أَلْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْوَشَّاءِ	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۲۰۵ و ۱۶۴	أَلْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ زِيَادٍ	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	آبِ جَعْفَرِ (ع)
۲۹۴	أَلْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ [جوهري]	عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ	آبِ نَصِيرِ	اسدی	أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۲۴۱	عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي نَبْرَانَ عَنْ أَلْقَاسِمِ	-	آبِ نَصِيرِ	اسدی	أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۲۸۸	أَلْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ يُونُسَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ	سَعْدَانُ بْنُ مُسْلِمِ	آبِ نَصِيرِ		أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۲۶۹	حَمَّادُ بْنُ عِيسَى	أَلْحَسَنُ بْنُ الْمُخْتَارِ	آبِ نَصِيرِ		أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۳۲۱	مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانِ	أَلْحَسَنُ بْنُ الْمُخْتَارِ	آبِ نَصِيرِ		أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۳۲۱	مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانِ	بَيْنُ مَسْكَانَ	آبِ نَصِيرِ	مرادی	أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۱۳۸	يُونُسَ	بَيْنُ مَسْكَانَ	آبِ نَصِيرِ	مرادی	أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۱۷۲	أَلْحَسَنُ بْنُ حَبِيبِ	إِبْرَاهِيمُ بْنُ زِيَادِ الْخَارِجِيِّ	آبِ نَصِيرِ		أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۲۷۹ و ۲۸۲	إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ	عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَّادِ الْأَنْصَارِيِّ	آبِ نَصِيرِ		أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۶۷	مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرِ	سَعِيدُ بْنُ غُرَّوَانَ	آبِ نَصِيرِ		أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۹۴	مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرِ	سَعِيدُ بْنُ غُرَّوَانَ	آبِ نَصِيرِ		آبِ جَعْفَرِ (ع)
۳۰۷	مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرِ	أَبِ الْمَغْرَاءِ	آبِ نَصِيرِ		أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۲۴۲	مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ	مُحَمَّدُ بْنُ سَالِمَانَ الدُّبَلِيِّ	آبِ نَصِيرِ		أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۲۳۳	أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ	عَاصِمُ بْنُ حَمِيْدِ الْخَطَّاطِ	آبِ نَصِيرِ		آبِ جَعْفَرِ (ع)
۶۲	بَكْرُ بْنُ صَالِحِ	عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَالِمِ	آبِ نَصِيرِ		آبِ جَعْفَرِ (ع)
۳۳۰ و ۲۸۵	جَعْفَرُ بْنُ بُشَيْرِ	إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدِ الْخَزَاعِيِّ	آبِ نَصِيرِ		أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)
۸۵	عَبْدُ الْكَرِيمِ بْنُ عَمْرٍو	ثَابِتُ بْنُ شَرِيْحِ	آبِ نَصِيرِ		آبِ جَعْفَرِ (ع)

### ۳. شرح حال ابوبصیر و وضعیت رجالی او

در مجموع روایات شیعه، حدود ۱۲ راوی با کنیه ابوبصیر ذکر شده‌اند که برخی از ایشان عبارت‌اند از: ابوبصیر ثقفی (خصیبی، ۱۳۷۷ق: ۳۹)، ابوبصیر عبدالله بن محمد اسدی کوفی از اصحاب امام باقر علیه السلام (کشی، ۱۳۴۸ق: ۱۷۴؛ طوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۹)، ابوبصیر یوسف بن حارث از اصحاب امام باقر علیه السلام (همان: ۱۴۱)، ابوبصیر لیث بن بختری مرادی (نیمه اول قرن دوم) راوی از امام صادق علیه السلام (نک: برقی، ۱۳۸۳ش: ۱۳؛ کشی، ۱۳۴۸ق: ۱۶۹؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۱۱۱؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۲۱؛ طوسی، ۱۳۵۶ق: ۱۳۰؛ همو، ۱۴۱۵ق: ۱۴۴، ۲۷۵، ۳۴۲؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق: ج ۸، ۶۲۲)، ابوبصیر یحیی بن ابی القاسم اسدی (م ۱۵۰ق) از موالی بنو اسد که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده است (نک: برقی، ۱۳۸۳ش: ۱۷؛ کشی، ۱۳۴۸ق: ۱۷۳؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۴۴۱؛ طوسی، ۱۳۵۶ق: ۱۷۸؛ همو، ۱۴۱۵ق، ۱۴۹، ۳۲۱، ۳۴۶).

از این افراد، دو تن یعنی مرادی و اسدی، مشهورند؛ ولی قبل از بیان ترجمه ایشان، لازم است بدین نکته توجه کرد که به سبب اختلاط ابوبصیرها، ترجمه آنها نیز خالی از اختلاط و اشکال و از همه مهم‌تر، مطالب ضدونقیض نیست؛ که فعلاً به جهت اختصار، به این تناقضات پرداخته نمی‌شود و فقط به ترجمه اجمالی ایشان پرداخته می‌شود.

#### ۳-۱. ابوبصیر، یحیی بن ابی القاسم اسدی

در خصوص یحیی بن ابی القاسم اسدی (د ۱۵۰ق) باید گفت که کنیه او ابومحمد است ولی به ابوبصیر خوانده شده است. کنیه پدر او ابوالقاسم و نام وی اسحاق گزارش شده است (طوسی، ۱۳۸۱ق: ۱۴۰)، هرچند که در بعضی از منابع، کنیه پدر، به عنوان نام وی و به صورت قاسم درج شده است (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۴۴۱). شیخ طوسی او را از اهل کوفه شمرده، و نسبت اسدی را شاید به سبب رابطه خاندان او با قبیله بنی اسد بیان کرده باشد (طوسی، ۱۳۸۱ق: ۳۳۳). طوسی و نجاشی سال درگذشت وی را حدود ۱۵۰ قمری عنوان کرده‌اند (همان: ۳۳۳؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۴۴۱).

گفته شده است علی بن ابی حمزه بطائنی، عبدالله بن وضاح و شعیب عفرقوفی (خواهرزاده ابوبصیر اسدی) شاگردان خاص وی بوده‌اند (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۱۵ و ۲۴۹؛ کشی، ۱۳۴۸ق: ۱۷۱).

در جریان واقعه اول و قطعیه در زمان امام کاظم علیه السلام، علی بن ابی حمزه بطائنی از سران واقفه شد و فرزندش نیز به او پیوست. علی و حسن در آثار خود، روایات زیادی از ابوبصیر روایت کرده‌اند (نک: خویی، ۱۹۸۳م: ج ۲۱، ۴۵، ۳۰۰ و ج ۱۱، ۴۹۸ و ج ۲۲، ۲۲۹؛ خاتمی، ۱۹۹۲م: ج ۸، ۲۲۲). همچنین در منابع واقفی، همانند کتاب فی نصره الواقفة اثر ابومحمد علی بن احمد علوی موسوی (م ۳۵۶ق) روایاتی در اثبات باورهای مذهب واقفه از ابوبصیر نقل شده است که اگر درست باشند، این گمان را تقویت می‌کند که احتمالاً ابوبصیر اسدی واقفی شده باشد. برخی از رجالیان امامیه همچون علامه حلی، به واقفی بودن ابوبصیر اسدی حکم رانده‌اند (طوسی، ۱۳۵۶ق: ۱۷۸)؛ که باتوجه به وفات او در سال ۱۵۰ق و آغاز جریان واقعه اول در سال ۴۸ق، واقفی بودن ابوبصیر اسدی منتفی نیست. با نظر به این حال و با وجود ابهامات مختلف، رجالیان امامیه، مذهب او را جدا از مسئله توثیق وی فرض نموده و نام او در شمار اصحاب اجماع آورده‌اند؛ که بر وثاقت آنان اتفاق دارند (کشی، ۱۳۴۸ق: ۲۳۸؛ طوسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۳۸۴).

### ۲-۳. ابوبصیر، لیث بن بختری مرادی

درباره ابومحمد (ابوبصیر) لیث بن بختری مرادی (نیمه اول قرن دوم) نیز باید گفت کتبه اصلی او دقیقاً روشن نیست؛ زیرا برخی کتبه او را «ابومحمد» (حلی، ۱۳۸۱ق: ج ۱، ۱۳۷؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۲۱) و برخی دیگر، «ابویحیی» ذکر کرده‌اند (ابن ندیم، بی تا: ۲۷۵) و احتمالاً از اهل کوفه است (طوسی، ۱۳۸۱ق: ۱۳۴). ابوبصیر مرادی را هم از اصحاب امام باقر علیه السلام و هم از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده‌اند (برقی، ۱۳۴۲ش، ۱۳؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۲۱) و همچنین از برخی راویان اهل بیت علیهم السلام همچون عبدالکریم بن عتبه، از صادقین علیهم السلام روایت کرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۵۵).

ابوجمیله مفضل بن صالح اسدی و نیز عبدالله بن مسکان، عبدالله بن بکیر و عبدالکریم بن عمرو خثعمی (همانجا؛ کلینی، ۱۳۸۸ق: ج ۲، ۶۰)، عاصم بن حمید، حمید بن مثنی و ابان بن عثمان (محمدی مازندرانی، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ۲۴) احتمالاً از شاگردان و راویان ابوبصیر مرادی هستند. همچنین، تنها اثر یادشده از وی در مسائل فقهی، بیشتر به روایت ابن فضال فطحی از ابوجمیله مفضل بن صالح است (نجاشی،



۴۰۷ق: ۳۲۱؛ ابن ندیم، بی تا، ۲۷۵) که البته وی کذاب و واضع حدیث معرفی شده است (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۸۸)

رجالیان متقدم، ابوبصیر مرادی را توثیق نکرده و درباره وی سکوت کرده اند (برقی، ۱۳۸۳ش: ۱۳ و ۱۸؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۲۱؛ طوسی، ۱۳۵۶ق: ۳۸۲). هرچند که ابن غضائری ضمن اینکه مذهب او را مورد طعن دانسته و از رنجش و کدورت خاطر امام صادق علیه السلام از وی، و نیز اختلاف نظر اصحاب در وضعیت رجالی وی خبر داده، اما گفته است که اعتبار روایی او مورد طعن نیست (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۱۱۱؛ نیز نک: حلی، ۱۳۸۱ق: ج ۱، ۱۳۷).

روایتی از شعیب بن یعقوب عرقوفی نشان می‌دهد که ابوبصیر مرادی، به امامت امام کاظم علیه السلام باور نداشته است (برای نمونه، نک: طوسی، ۱۳۹۰ق: ۲۵/۱۰) و گفتار ابن غضائری نیز گویای آن است که وی فاسدالمذهب بوده است (حلی، ۱۳۸۱ق: ج ۱، ۱۳۷).

اگر شواهد یادشده را در کنار روایات ستایش آمیز و تأییدی گروه فطحیان درباره ابوبصیر مرادی قرار دهیم، شاید به گرایش فطحی ابوبصیر مرادی کمک کند (نک: کشی، ۱۳۴۸ق: ۹ و ۲۳۸). برای نمونه، روایتی از علی بن اسباط و علی بن حدید فطحی، ابوبصیر مرادی را در شمار چهار نفر از بزرگان دین دانسته است (همان: ۲۳۸). هرچند که وی در منابع غیرفطحی نیز، یکی از چهار بهشتی دانسته شده است (همان: ۱۳۶). رجالیان متأخر، ابوبصیر مرادی را در عنوان اصحاب اجماع توثیق نموده اند (نک: ابن داوود، ۱۳۸۳ق: ۲۸۲ و ۳۸۴؛ حلی، ۱۳۸۱ق: ج ۱، ۱۳۷؛ خویی، ۱۹۸۳م: ج ۱۴، ۱۵۰؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق: ج ۸، ۶۳۰ و ج ۱۲، ۴۳۹).

#### ۴. سردرگمی در تطبیق روای بر روایات

یکی از مسائل مهم در علم رجال، وجود نام‌های مشترک در میان راویان است که غالباً نویسندگان کتب رجالی مشترکان در نام را ابتدا به ترتیب حروف ابجد آورده و سپس با کنیه‌ها و القاب مشترک می‌آورند. برای نمونه، کنیه ابوبصیر نامی میان اسناد حدیثی شیعه است که تعداد احادیث و روایات زیادی، حدود سه هزار عدد را به خود اختصاص داده است؛ به طوری که تنها در کتب اربعه، ۲۲۷۵ روایت از ابوبصیر وجود دارد.

در تمامی روایات امامیه (جز چند عدد)، نام ابوبصیر بدون افزودن هیچ قیدی، در سلسله اسناد قرار گرفته است؛ این وضعیت باعث شده تا شناسایی و تفکیک این چند شخصیت ابوبصیر نام، مخصوصاً دو ابوبصیر هم‌عصر که هر دو در کوفه متوطن بوده و از رویان امام صادق علیه السلام بوده‌اند، از قطعیت برخوردار نباشد؛ به طوری که حتی کشی نیز در تمیز این ابوبصیرها، دچار خلط و اشتباه بوده است (کشی، ۱۳۴۸ق: ۱۷۳).

این سردرگمی، سبب شده تا بحث و پژوهش برای هویت ابوبصیر در اسانید، بین محدثان و رجال‌شناسان مطرح گردیده و مقالات و رساله‌هایی در این باره نوشته شده است. مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند: ترجمه *ابوبصیر و تحقیق احواله* از محمدباقر شفتی (م ۱۲۶۰ق) که همراه مجموعه‌ای از رسائل رجالی وی در ۱۳۱۴ق به چاپ رسیده است؛ ترجمه *ابوبصیر* از محمدهاشم خوانساری (م ۱۳۱۸ق) که همراه *مجمع الفوائد* در ۱۳۱۷ق چاپ شده است؛ ترجمه *ابوبصیر و اسحاق بن عمار* از ابوتراب خوانساری (د ۱۳۴۶ق) (نک: پاکتچی، ۱۳۸۸ش، ج ۵، ۱۹۷۳)، مقاله «الدر النضیر فی المکنین بابی بصیر» از شوشتری که در جلد دوازدهم *قاموس الرجال* به‌عنوان ملحقات کتاب آمده است (شوشتری، ۱۴۱۰ق: ج ۱۲، ۳۷۷-۴۹۴) و نیز توضیحاتی که کلباسی در ضمن *سماء المقال فی علم الرجال* هنگام سخن از کنیه ابوبصیر به تفصیل درباره ابوبصیر مرادی داده است (کلباسی، ۱۴۱۹ق: ۲۹۸ و ۳۵۹؛ نیز برای دیگر موارد، نک: موسوی خوانساری، ۱۳۸۴ش: سراسر اثر؛ شبیری زنجانی، بی‌تا: سراسر اثر).

این آثار غالباً درباره تمیز ابوبصیر در اسانید روایات و نیز بعضاً تحلیل روایات رجال کشی درباره ابوبصیرند. برای نمونه، سید مهدی موسوی خوانساری (م ۱۲۴۶ق) صاحب «رساله عدیمة النظیر فی أحوال ابی بصیر» درباره تشخیص ابوبصیر، مدعی شده که مراد از ابوبصیر، ابوبصیر یحیی اسدی است. چون یحیی اسدی از لیث بختری معروف‌تر و شناخته‌شده‌تر بوده است؛ و مطلق گذاشتن عنوان ابوبصیر، به اعتماد انصرافش به یک شخص خاص است که باید فرد مشهور باشد (نک: موسوی، ۱۳۸۴ش: سراسر اثر).

## ۵. راه‌های تشخیص افراد مجمل و مشابه در الغیبة

برای شناسایی رویان با نام مشترک و اعلام مجمل، از چند طریق می‌توان اقدام کرد.

مثلاً توجه به طبقه راوی و کشف این طبقه می‌تواند در تعیین مشترکات و جداسازی و تمیز روایان مجمل کارآمد باشد (نک: خوبی، ۱۹۸۳م: ج ۲۲، ۱۹۰ و ۱۹۱)؛ اما روایان مشترک ابوبصیر، به‌ویژه دو راوی مشهور، یعنی مرادی و اسدی، هر دو در یک طبقه و از اصحاب صادقین علیهما السلام هستند؛ بنابراین، این راه جواب‌گوی کشف هویت ابوبصیر در روایات الغیبة نیست و باید به دنبال شواهدی دیگر بگردیم که این هدف را برآورند.

### ۱-۵. شواهد خارج از کتاب الغیبة

برخی شواهد خارج از کتاب الغیبة می‌توانند به ما در تشخیص این افراد کمک کنند: الف. از جمله این شواهد آن‌هاست که در بررسی نسخه‌های خطی الغیبة حاصل می‌شوند. توضیح اینکه شاید اسم روایان در نسخه‌های متقدم، کامل ذکر شده باشد و در نسخه‌برداری‌های بعدی به‌خاطر تصحیف، سرعت نگارش یا شهرت راوی در آن دوره نسخه‌برداری جدید، به‌اختصار نوشته شود. بنابراین، یکی از راه‌های کشف و تمیز اسامی مشترک و مجمل، مراجعه به نسخ خطی مادر و متقدم است.

اکنون، حداکثر حدود بیست نسخه خطی (غالباً متأخر) از کتاب الغیبة نعمانی موجود است که مربوط به قرن ششم تا چهاردهم هجری قمری‌اند: نسخه کتابخانه ملک، شماره ۲۶۷۱ که به حدود سده ۱۰ق مربوط است؛ نسخه دیگر کتابخانه ملک، شماره ۳۶۱۷ با تاریخ کتابت ۱۰۷۷ق و به کتابت محمد مؤمن که نسخه چاپی غفاری برپایه همین نسخه است؛ نسخه کتابخانه قدس رضوی، شماره ۲۵۰۳۳ و تاریخ ۱۰۸۶ق؛ نسخه کتابخانه مرعشی، شماره ۱۱۵۷۴ و تاریخ ۱۱۳۲ق؛ نسخه دیگر کتابخانه قدس رضوی، شماره ۳۱۴۷۳ و تاریخ ۱۲۱۹ق؛ نسخه‌ای دیگر در کتابخانه مرعشی، شماره ۱۰۲۰۴ و تاریخ ۱۲۶۱ق؛ نسخه کتابخانه مجلس، شماره ۱۰۰۳۷ و تاریخ ۱۲۹۶ق؛ و موارد متعدد دیگر (برای دیدن اطلاعات نسخه‌های دیگر، نک: درایتی، مصطفی، فخا، کتابخانه ملی، ۱۳۹۱ش: ج ۲۳، ۴۷۷). در این نسخه‌ها، شواهدی برای تمیز شخصیت «ابوبصیر» در روایات کتاب الغیبة یافت نشد. بنابراین، این راه، جواب‌گوی کشف هویت راوی در روایات ابوبصیر الغیبة نیست.

ب. برخی از قراین از خود ابوبصیر یا از روایان مرتبط با وی نیز، ممکن است ما را در تشخیص هویت روایات ابوبصیر راهنمایی نماید. برای نمونه، منابع رجالی به نقل

از نجاشی گفته‌اند که علی بن ابی حمزه، عصاکش ابوبصیر اسدی بوده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۶ و ۲۴۹). بنابراین آن توصیف را می‌توان قرینه گرفت، و روایات ابوبصیر را که به نقل از علی بن ابی حمزه هستند، از ابوبصیر اسدی دانست. البته این قرینه، تمام نیست و چند اشکال بر آن مترتب است:

اول اینکه حتی اگر علی بن ابی حمزه عصاکش ابوبصیر اسدی باشد، نمی‌تواند ما را به قطع برساند که الزاماً روایات علی بن ابی حمزه، تنها از ابوبصیر اسدی است؛ زیرا ابوبصیر مرادی نیز هم طبقه‌ی علی بن ابی حمزه است و بعید نیست که وی از او نیز، نقل روایت داشته است؛ دوم اینکه اکنون و در منابع متأخر، به استناد تنها یک خبر واحد، آن‌هم با فرض اینکه کلمه «قائد» در آن متن، به معنی «عصاکش» باشد، این ادعا را نموده که علی بن ابی حمزه، عصاکش ابوبصیر اسدی بوده است. این یک ادعا، زمانی قابل اتکای حداقلی است که روشن شود قید «یحیی بن القاسم» در ادامه ابوبصیر، از اضافات و حاشیه‌های بر نسخه خطی رجال نجاشی نباشد و این قید، حتماً توسط خود مؤلف درج شده باشد؛ چراکه بسیار مرسوم است که نسخه‌برداران و مالکان نسخ خطی، کلمات و حاشیه‌هایی را بر نسخه‌های خود یادداشت می‌نمایند.

ج. همچنین برای تشخیص اسامی مشترک و نام‌های قابل انطباق بر چند نفر، توجه به این مسئله است که آیا آن راویان کتاب یا اصل حدیثی دارند یا خیر؟ به عبارت دیگر، اسناد مشترک با اسامی مجمل را می‌توان با توجه به اسناد کتاب راوی یا محتوای کتاب یا حداقل به اعتبار اصل وجود کتاب، مورد تأمل قرار داد تا شاید به بازشناسی هویت راوی مشترک و مجمل ختم گردد.

ابوبصیر لیث مرادی دارای کتاب بوده است (ابن ندیم، بی تا: ۲۷۵؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۲۱؛ طوسی، ۱۳۵۶ق: ۱۳۰). ابوبصیر یحیی اسدی نیز دارای کتاب بوده است؛ نجاشی اثری با عنوان کتاب یوم و لیل (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۴۴۱) و شیخ طوسی کتابی در مناسک حج (طوسی، ۱۳۵۶ق: ۱۷۸) به او نسبت داده است. بنابراین، چون هر دو ابوبصیرها دارای کتاب هستند، این راه نیز نمی‌تواند به درستی جواب‌گوی کشف هویت ابوبصیر در روایات الغیبه باشد.

## ۲-۵. جست‌وجوی روایات الغیبة در منابع متقدم

یکی از دلایل ایجاد اشتراک و اجمال نام راوی، اختصارنویسی نویسنده یا نسخه‌بردار با توجه به وجود منابع دیگر است؛ که وی با تکیه بر وجود اسناد در دیگر کتب، به حذف لقب، کنیه و یا نسب راویان، به جهت مختصرنویسی اقدام می‌کند. بنابراین، در موارد اسامی مشترک و مجمل، جدای از توجه به سیاق کلام رجالیان (نک: شوشتری، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۴) ممکن است با مراجعه به منابع متقدم و جست‌وجو در اسناد کتب دیگر قبلی، هویت راوی مشترک، با وجود قرینه‌هایی مثل لقب راوی یا نسب او کشف گردد.

الف. ابوبصیر اسدی

یک. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ... عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ الْأَسَدِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلْبِيِّ وَ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ... (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ۷۱).

دو. رَوَى عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ الْأَحْمَرِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ.. (ابن بابویه، بی تا: ج ۴، ۱۶۳).

سه. أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمُفْضَلِ، قَالَ... عَنْ أَبِي بَصِيرٍ يَحْيَى بْنِ الْقَاسِمِ الْأَسَدِيِّ الضَّرِيرِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرٍ.. (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۸۱)

ب: ابوبصیر مرادی

یک. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ هَاشِمِ بْنِ أَبِي سَعِيدِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ... (برقی، بی تا: ۱۸۵)

دو. عَنْهُ عَنْ الْوَشَاءِ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ... (همان: ۳۷). شایان ذکر است که همین روایت با اسناد تصحیح شده در وسائل الشیعه و بحار الانوار آمده است. وَ عَنْ الْوَشَاءِ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ... (حر عاملی، ۱۴۱۶ق: ج ۷، ۱۸۳)؛ الْوَشَاءِ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ لَيْثِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ... (مجلسی، بی تا: ج ۹۰، ۱۸۳).

سه. رَوَى عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ..

(ابن بابویه، بی تا: ج ۲، ۱۳۰).

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، روایات ابوبصیر در منابع متقدم بسیار فراوان است و از چند هزار فراتر است؛ اما با جست‌وجویی که در منابع متقدم صورت گرفت؛ مشخص

شد که روایاتی که قید و صفت افزونی از کنیه ابوبصیر دارند، اندک و در حدود شش روایت هستند. البته یک سند روایت نیز از مُحَمَّدِ بْنِ ابی بَصِيرِ الْأَسَدِيِّ یافت شد: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطِ الْقُدْسِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ ابی بَصِيرِ الْأَسَدِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي الرَّضَاءِ... (خصیصی، ۱۳۷۷ق: ج ۱، ۲۸۷).

ابوبصیرها (اسدی و مرادی)			
صَفْوَانَ	مَنْصُورُ بْنُ حَازِمٍ	ابی بَصِيرِ الْأَسَدِيِّ	ابی عَبْدِ اللَّهِ
عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ	أَبَانُ الْأَحْمَرِيِّ	ابوبصیر یحیی بن ابی القاسمِ الْأَسَدِيِّ	ابی جَعْفَرٍ
إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ ابی بَشَرَ الْأَحْمَرِيِّ	عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَّادِ الْأَنْصَارِيِّ ابومُحَمَّدٍ	ابوبصیر یحیی بن القاسمِ الْأَسَدِيِّ الصَّرِيرُ	ابی عَبْدِ اللَّهِ
حَمْرَةَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ	هَاشِمِ بْنِ أَبِي سَعِيدِ الْأَنْصَارِيِّ	ابوبصیر لیثِ الْمُرَادِيِّ	ابی عَبْدِ اللَّهِ
أَلَوْشَاءُ	رِفَاعَةَ بْنَ مُوسَى	لَيْثِ الْمُرَادِيِّ عَنْ ابوبصیر	-
-	عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ	ابوبصیر لیثِ الْمُرَادِيِّ	ابی عَبْدِ اللَّهِ

این وضعیت اسناد فوق، حائز دو نکته است: اول اینکه نمی توان به اعتبار اسناد این چند روایت اندک، هویت روایات ابوبصیر را در الغیبه و غیر آن به روشنی بازشناسی نمود. از آن مهم تر، وقتی تعداد اسناد روایات با هویت مشخص اندک است، این نظر قوت می گیرد که این تمیز، توسط نسخه برداران و به صورت سلیقه‌ی و اجتهادی صورت گرفته است؛ و معلوم نیست که در متن مادر و اصلی این روایات، اسناد با قرآینی از ابوبصیر نگارش شده باشد. بنابراین، این راه نیز جواب گوی کشف هویت راوی در روایات ابوبصیر الغیبه نیست.

### ۳-۵. شواهد قابل باز یابی از اسناد کتاب الغیبه

در خود اسناد کتاب الغیبه نیز شاید بتوان برخی شواهد برای بازشناسی ابوبصیرها یافت. برای نمونه:

۱. توجه به توصیفات اسناد مختلف ابوبصیر در کتاب الغیبه به شواهدی دست یافت؛ توضیح اینکه ممکن است اسم یک راوی در روایتی، مختصر و مجمل ذکر گردد، ولی در روایات دیگری در همان کتاب، به صورت کامل و ذکر توصیفات تکمیلی درج شده باشند. بنابراین راه دیگر کشف اسامی مجمل در یک اثر، توجه به

توصیفات دیگر همان راوی در همان اثر است.

با بررسی موارد ابوبصیر در کتاب الغیبة مشخص شد که در تمامی موارد، عنوان ابوبصیر بدون هیچ پیشوند و پسوند و نشان تکمیلی درج شده است. بنابراین این راه، جواب‌گوی کشف هویت راوی در روایات ابوبصیر الغیبة نیست.

۲. توجه به نام راویان قبل و بعد ابوبصیر هم می‌تواند مفید باشد؛ زیرا توجه به راویان قبل و بعد اسناد، و اساتید و شاگردان، می‌تواند راه مناسبی در تمیز مشترکات و بازشناسی هویت روای مجمل باشد (نک: اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۳۳) ولی چون هم ابوبصیر اسدی و هم ابوبصیر مرادی در یک طبقه قرار دارند، و هر دو از صادقین علیهم‌السلام نقل حدیث نموده‌اند، به واسطه معصوم علیه‌السلام نمی‌توان نام مشترک ایشان را تمیز داد.

از سوی دیگر، چون روایات ابوبصیر بسیار زیاد و از یک طبقه هستند، احتمال اینکه راویان مختلف طبقه قبل، از هر دوی ایشان نقل روایت نموده باشند، بسیار زیاد است؛ بنابراین به صرف نام راوی قبلی، نمی‌توان به صورت دقیق و قاطع ادعا نمود که این ابوبصیر مجمل، اسدی است یا مرادی. به عبارت دیگر، احتمال اینکه مثلاً شخص ابن‌مُسکان در روایات خود، هم از ابوبصیر اسدی و هم از ابوبصیر مرادی نقل حدیث نموده باشد، زیاد است؛ هرچند که جای سؤال خواهد بود که چرا ایشان وجه تمیزی برای ایشان قائل نشده‌اند؟ یا اینکه این کار را انجام داده‌اند و این قراین در نسخه‌برداری‌های بعدی از بین رفته است.

هرچند که شاید برخی قراین ضمنی، بتواند ما را در تشخیص ارتباط راوی قبل با هویت ابوبصیر راهنمایی کند. مثلاً بیش از ۳۰۰ حدیث علی بن ابی‌حمزه از ابوبصیر نقل کرده است؛ و از طرفی گفته شده که اگر در سندی علی بن ابی‌حمزه عن ابی‌بصیر آمده باشد، مراد ابوبصیر یحیی بن القاسم الأسدی است؛ زیرا علی بن ابی‌حمزه عصاکش و راهنمای او بوده است (نجاشی، ۱۴۱۸ق: رقم ۶۵۶)؛ به‌خصوص اینکه مضمون روایات او فقهی است و نه روایات معمولی و معلوم است که از میان اسامی مشترک ابوبصیر یحیی بن قاسم الأسدی فقیه برجسته‌ای بوده است (نک: کشی، ۱۳۴۸ق: ۲۳۸). در هر صورت، این راه نیز با توجه به هم‌طبقه و هم‌مکان بودن و

احتمال نقل راویان مختلف از ابوبصیر، نمی‌تواند به دقت و کمال، ما را به کشف هویت اسناد روایات ابوبصیر در الغیبه رهنمون کند.

#### ۴-۵. دیگر شواهد

۱. توجه به کثرت نقل روایات ابوبصیر، یک روش ارزیابی دیگر است. اگر یک راوی مشخص به نسبت یک راوی مشخص دیگر، روایات بیشتری را نقل کرده باشد و درصد این تفاوت تعداد روایات، به گونه‌ای باشد که در موارد اجمال نام راوی و اسامی مشترک، ذهن انسان منطقاً به این سو برود که راوی مجمل، حمل بر راوی کثیرالروایه گردد. این قاعده راهگشاست؛ اما در مواردی که بیشتر روایات یک روای با نام کامل صورت گرفته باشد و برخی اندک از روایات با نام مجمل درج شده باشد که در این موارد، طبق قاعده منطقی نام مجمل را بر شخص کثیرالروایه حمل می‌کنیم. البته همین روش نیز نمی‌تواند قطعی و مطابق واقع باشد؛ یعنی ممکن است واقعاً نام مجمل از آن راوی کثیرالروایه نباشد.

اما در مورد کنیه ابوبصیر، این قاعده نمی‌تواند کارگشا باشد؛ زیرا تمامی چند هزار روایات و احادیثی که از ابوبصیر هستند، جز چند عدد، تنها با ذکر کنیه ابوبصیر نقل شده‌اند؛ بنابراین اساساً مشخص نیست که این ابوبصیرها چه هویتی دارند.

البته نزدیک به سه هزار حدیث روایت شده از ابوبصیر که فهرست آن در معجم رجال (خویی، ۱۹۸۳م: ج ۲۱، ۴۵ و ۳۰۰) و فهرس بحار الانوار (خاتمی، ۱۹۹۲م، ۲۲۲/۸) آمده، تحت عنوان «یحیی بن قاسم اسدی کوفی» درج شده‌اند؛ و نیز فهرست روایاتی را که علی بن ابی حمزه بطنانی در دو کتاب یوم و لیله و مناسک حج درج نموده، تحت نام «ابوبصیر اسدی» در معجم رجال (خویی، ۱۹۸۳م: ج ۱۱، ۴۹۸ و ج ۲۲، ۲۲۹) درج شده است. از آن طرف، بیش از شصت حدیث از ابوبصیر لیث بن بختری کوفی در معجم رجال (همان: ج ۱۴، ۱۳۹، ۱۵۱، ۳۷۲) و فهرس بحار الانوار (خاتمی، ۱۹۹۲م: ج ۱۰، ۲۳) فهرست شده که بسیاری از آن‌ها از طریق ابوجمیله مفضل بن صالح اسدی است.

اما این تمییزها و تقسیم‌بندی‌ها براساس نظر و اجتهاد مؤلفان فهرس انجام شده است و نه براساس وجود نام کامل از کنیه ابوبصیر. بنابراین، اصل مشکل و معضل، در



احادیث بسیار ابوبصیر، مجمل و نامشخص بودن هویت ابوبصیر در این روایات کثیر است. پس با وجود این معضل، نمی‌توان از راه‌حل «کثرت نقل روایات» برای رفع اجمال در اسامی مشترک از کنیه ابوبصیر استفاده نمود.

اما در مورد اختصاص روایات ابوبصیر در کتاب *الغیبة* نیز، تنوع راویان قبل از ابوبصیر به‌گونه‌ای است که نمی‌توان همه اسامی ابوبصیر را به‌عنوان یک شخص مشهور فرض کنیم؛ یعنی قراین نقضی قابل تصور است که نمی‌توانیم نام ابوبصیر را مطلق و به یک شخص مشهور تطبیق کنیم. بنابراین، این راه نیز جواب‌گوی کشف هویت راوی در روایات ابوبصیر *الغیبة* نعمانی نیست.

۲. شاید خود متن احادیث ابوبصیر در *الغیبة* بتوانند به شناسایی راویان کمکی کنند. برخی راویان با توجه به علایق یا محدودیت‌ها و دسترسی خاص، ناقل محتوای موضوعی ویژه و مشخصی در روایات هستند؛ یا اینکه عقیده فکری خاصی را در نقل روایات دنبال می‌کنند. بنابراین، در مورد اسامی مشترک و مجمل، می‌توان با توجه به محتوای روایات، هویت راویان مشترک و مجمل را شناسایی و تمیز داد.

اما روایات ابوبصیر، به‌علت کثرت تعداد و تنوع موضوع، این راه تشخیص و تمیز نام مشترک را از ما سلب نموده است. به عبارت دیگر، ما از طریق محتوای روایات ابوبصیر نمی‌توانیم هویت ابوبصیرها را تشخیص دهیم؛ هرچند که با این روش، می‌توانیم گرایش‌های فکری راویان ابوبصیر را مورد تأمل قرار دهیم و به‌وسیله آن، قراینی غیردقیق را برای بازشناسی هویت ابوبصیر ارائه دهیم. بنابراین، این راه نیز جواب‌گوی کشف دقیق هویت ابوبصیر در روایات *الغیبة* نیست.

### ۶. راه‌حل اعتبارسنجی ابوبصیر

با توجه به اینکه کنیه ابوبصیر، مشترک بین چند نفر است؛ و از طریق راه‌های تشخیص افراد مجمل و مشابه، همچون توجه به توصیفات اسناد مختلف ابوبصیر در کتاب *الغیبة* و نیز جست‌وجوی روایات *الغیبة* در منابع متقدم، و توجه به نام راویان قبل و بعد ابوبصیر و همچنین توجه متن احادیث ابوبصیر در *الغیبة*، نتوانستیم هویت شخصیت ابوبصیر در روایات *الغیبة* را شناسایی کنیم، ناچاریم راه دیگری را برگزینیم.

از چند حال خارج نیست؛ یا همه ابوبصیرهای روایات *الغیبة*، یحیی اسدی هستند،

یا همه ابوبصیرهای روایات الغیبه، لیث مرادی هستند؛ یا برخی یحیی اسدی و برخی دیگر لیث مرادی هستند. این حالات می‌تواند وضعیت‌های مختلفی پیدا کنند؛ یک وضعیت آن است که هم ابوبصیر اسدی و هم ابوبصیر مرادی، هر دو از نظر رجالی مورد اعتماد و ثقة باشند. در این حال، تکلیف اعتبارسنجی روایات ابوبصیر در الغیبه نعمانی، از نظر شخصیت راوی نهایی، یعنی ابوبصیر روشن خواهد بود؛ و می‌توان نظر داد که این روایات از نظر راوی نهایی قبل از امام علیه السلام معتبر هستند.

حالت دیگر آن است که یکی از ایشان، به نظر رجالی مورد اعتماد و ثقة نباشند. در این حال، تکلیف اعتبارسنجی روایات ابوبصیر در الغیبه نعمانی، در مرحله ابوبصیر متوقف و به مرحله دیگر، یعنی بررسی راویان بعدی موکول خواهد شد. به همین ترتیب، اگر هم ابوبصیر اسدی و هم ابوبصیر مرادی، هر دو از نظر رجالی مورد اعتماد و ثقة نباشند، می‌توان نظر داد که روایات ابوبصیر کتاب الغیبه نعمانی، حداقل از نظر راوی نهایی قبل از امام علیه السلام معتبر نیستند.

راه حل اعتبارسنجی ابوبصیر در الغیبه نعمانی، بررسی رجالی ابوبصیر اسدی و ابوبصیر مرادی، به صورت توأمان است؛ ولی اگر نتیجه بررسی رجالی یکی از ایشان منفی باشد، لازم است به مرحله دوم، یعنی بررسی راویان بعدی ابوبصیر برویم، تا بتوانیم تکلیف اعتبارسنجی روایات ابوبصیر در الغیبه نعمانی را روشن نماییم.

این راه حل، و نتیجه حاصل از آن را، با روش و طرح دیگری نیز می‌توان مطرح نمود. اصل این است که برای بررسی اعتبار راوی در راویان مشترک و مجمل، میان ایشان تمیز قائل شویم و مشخصاً هر راوی را بررسی اعتباری نماییم؛ اما اگر این تمیز به دلایلی ممکن نباشد، چند حالت ممکن است: یکی اینکه همه ابوبصیرها را بدون تمیز دادن، ثقة بدانیم؛ دیگر اینکه حداقل، همه را یک شخص و آن یک شخص را ثقة بدانیم؛ سوم اینکه همه ابوبصیرها را بدون تمیز دادن، غیرثقه بدانیم؛ و سرآخر، اینکه حداقل، همه را یک شخص و آن یک شخص را غیرثقه بدانیم.

در بهترین حالت، ما فرض می‌کنیم همه ابوبصیرها ثقة هستند؛ و یا همه آنها یک شخصیت و آن شخصیت، ثقة است. اکنون و با این فرض، برای اعتبارسنجی روایات ابوبصیر در الغیبه نعمانی، ناچاریم از بررسی رجالی شخص ابوبصیر عبور کنیم و

راویان پیش از ابوبصیر را مورد ارزیابی قرار دهیم تا روایات ابوبصیر در الغیبة نعمانی، اعتبارسنجی شوند.

## ۷. اعتبارسنجی و بررسی روایان پیش از ابوبصیر

با توجه به آمار روایات ابوبصیر در کتاب الغیبة نعمانی، که پیش تر ذکر شد، شانزده راوی در سلسله اسناد ابوبصیر، بلافاصله قبل از وی قرار گرفته‌اند؛ که در چند بخش معرفی می‌شوند.

### الف. روایان شناخته ابوبصیر در الغیبة

#### ۱. علی بن ابی حمزة

۲۹ روایت از ۵۱ روایت ابوبصیر در کتاب الغیبة نعمانی به نقل از ابوالحسن علی بن ابی حمزه بطائنی، از سران واقفیه است (نک: النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۷، ۵۱، ۹۶، ۱۶۴، دو مورد، ۱۸۸، ۱۶۴، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۳۳، دو مورد، ۲۳۴، ۲۴۰، ۲۴۱، دو مورد، ۲۵۳، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۶۹، دو مورد، ۲۷۲، ۲۸۹، دو مورد، ۲۹۴، ۳۰۷، دو مورد، ۳۰۵، ۳۱۶، ۳۲۰، ۳۳۰، دو مورد). البته با توجه به افتادگی برخی اسناد، این تعداد به حدود ۳۳ روایت نیز خواهند رسید.

معاصران علی بن ابی حمزه و نیز رجالیون همچون ابن غضائری، نجاشی، علامه حلی، ابن داود و رجالیون متأخر، از وی به عناوین واقفه یا پایه‌گذار واقفیه، و نخستین کسی که این نظریه را مطرح کرد، یاد کرده‌اند (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۴۹؛ طوسی، ۱۳۸۱ق: ۴۲؛ حلی، ۱۳۸۱ق: ۲۳۱؛ ابن داود، ۱۳۸۳ق: ۲۵۹؛ خوئی، ۱۹۸۳م: ج ۱۱، ۲۱۴-۲۲۳). علی بن حسن بن فضال، بطائنی را «کذاب و متهم» خوانده است (کشی، ۱۳۴۸ق: ۴۰۳). بسیاری از رجالیان و علما نیز معتقد به ضعف او هستند (نک: کلباسی، ۱۴۱۹ق: ۱۳۴). هرچند که برخی از متأخرین نیز علی بن ابی حمزه را توثیق کرده‌اند (مامقانی، ۱۳۴۹ق: ج ۲، ۲۶۲؛ خوئی، ۱۹۸۳م: ج ۱۱، ۲۲۵). برخی نیز وثاقت بطائنی را اختصاص زده‌اند و ضعف وی را به دوران بعد از وفات امام کاظم علیه السلام و واقفیه شدن وی نسبت می‌دهند (نک: کلباسی، ۱۴۱۹ق: ۱۵۱). برخی نیز مدعی هستند که بزرگان اصحاب، روایات بطائنی را جز در مسائل راجع به مذهب وقف، تلقی به قبول کرده و او را در این گونه مسائل، ثقه می‌دانسته‌اند (نک: نوری، ۱۳۸۲ق:

ج ۳، ۶۲۳).

نتیجه اینکه به نظر می‌رسد که در هر سه صورت، روایات علی بن ابی حمزه از ابوبصیر در کتاب الغیبه بی اعتبارند؛ زیرا این دست روایات بطائنی، درباره غیبت و مهدویت است که مطابق و مرتبط با دوره واقفیه او و پس از زمان امام کاظم علیه السلام است.

مهم‌تر آنکه راوی بیشتر این روایات بطائنی، حسن فرزند اوست که از چهره‌های سرشناس واقفیه بوده و در کتب رجال در ضعف او کمتر تردید شده است (برای نمونه مامقانی، ۱۳۴۹ق: ج ۱، ۲۹۰). حتی از علی بن الحسن بن فضال نقل شده است که بطائنی «کذاب ملعون» و «کذاب متهم» است و نقل یک حدیث نیز از وی روا نیست (کشی، ۱۳۴۸ق: ۵۵۲). نکته بسیار مهم درباره حسن و علی بطائنی این است که حسن، کتابی در غیبت دارد (نک: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۷). این مسئله، روایات وی و پدرش را در کتاب الغیبه نعمانی، تحت الشعاع خود قرار می‌دهد؛ زیرا ایشان از واقفیه هستند و به سبب مذهبشان، احتمال جعل اخبار غیبت از ایشان، پررنگ می‌نماید.

### ۲. وَهَيْبُ بْنُ حَفْصٍ

ابوعلی وهیب (م بعد ۱۸۸ق) فرزند حفص جریری. ابن بابویه او را در مشیخه خود یاد کرده و می‌نویسد کوفی و معروف به الممتوف است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۶۳). وی از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام و نیز از مفسران شیعه است. نجاشی پس از توثیق، او را واقفی می‌خواند (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۳۷).

چون وهیب واقفی است، همه مطالبی که در نتیجه‌گیری درباره علی بن ابی حمزه گفتیم، در اینجا نیز قابل بیان است.

### ۳. ابْنِ مُسْكَانَ

ابومحمد عبدالله ابْنِ مُسْكَانَ، کوفی و از موالی قبیله عنزه و یا عجل بوده است (نک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ۵۸؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۱۴). درباره زندگی او اطلاعات بسیار اندک است. برخی وی را در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام آورده‌اند (برقی، ۱۳۸۳ش: ۲۲؛ طوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۶۴)، اما در اینکه ابْنِ مُسْكَانَ از اصحاب امام صادق علیه السلام باشد، اختلاف وجود دارد؛ یعنی باینکه وی ناقل بسیاری از سخنان امام صادق علیه السلام بوده، تنها یک حدیث

از ایشان استماع نموده است (نک: کشی، ۱۳۴۸ق، ۳۸۲؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۱۴).  
رجال‌شناسان او را توثیق نموده و از اصحاب اجماع دانسته‌اند (نک: کشی، ۱۳۴۸ق:  
۳۷۵؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۹۶؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۱۴).

#### ۴. ثَابِتُ بْنُ شَرِيحٍ

ابواسماعیل ثابت بن شریح. برقی، ابن‌غضائری، کشی، نامی از وی نبرده‌اند؛ اما  
نجاشی نوشته است: أبوإسماعیل الصائغ الانباری، مولی‌الازد، ثقة، روی عن  
أبي عبد الله عليه السلام، و أكثر عن أبي بصير و عن الحسين بن أبي العلاء، و ابنه محمد بن ثابت  
(نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۱۶). وی را از اصحاب امام صادق عليه السلام دانسته‌اند؛ ولی جرح و  
تعذیلی درباره او بیان نکرده‌اند (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۰). همچنین او کتابی در  
موضوعات مختلف فقهی نوشته که نجاشی از آن با تعبیر کتاب فی انواع الفقه یاد کرده  
است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۱۶).

اینکه تمامی رجالیون متقدم درباره ثابت بن شریح نظری نداده‌اند و فقط در رجال  
نجاشی از او به نیکی یاد شده، و دیگران این نظر نجاشی را نقل یا حاشیه‌ای نزده‌اند،  
جای سؤال است. به نظر می‌رسد که وی در میان رجالیان ناشناس است؛ و شاید نظر  
موجود در رجال نجاشی، از حواشی دیگری غیر از مؤلف باشد.

رجالیان متأخر همچون ممقانی، احتمالاً به اعتبار گفته نجاشی، وی را فردی مورد  
اعتماد دانسته‌اند (مامقانی، ۱۳۴۹ق: ج ۱۳، ۲۹۶).

#### ۵. شُعَيْبُ بْنُ الْحَدَّادِ

شعیب بن اعین حداد کوفی، یکی از اصحاب امام صادق عليه السلام بود (طوسی، ۱۴۱۵ق:  
۲۱۷). برقی فقط از وی نام برده و نظری نداده است (برقی، ۱۳۴۲ق: ۲۹)؛ ولی طوسی  
وی را از راویان موثق دانسته است (طوسی، ۱۳۵۶ق: ۸۳) و حلی نیز آن را تکرار  
نموده است (حلی، ۱۳۸۱ق: ۱۶۷). برخی نیز او را از فقهای اصحاب امام صادق عليه السلام  
دانسته‌اند (مفید، ۱۳۹۸ق: ج ۹، ۲۵). گفته شده که وی دارای اصل است  
(ابن شهر آشوب، بی تا: ۵۹).

#### ۶. مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ

أبو عبدالله، محمد بن سلیمان الدیلمی البصری. اکثر روایاتش از پدرش سلیمان

است؛ که پدر از بزرگان غلات است (خویی، ۱۹۸۳م: ج ۹، ۳۰۰). شیخ طوسی در الرجال یک بار او را در اصحاب امام کاظم علیه السلام تضعیف کرده و نوشته: له کتاب یرمی بالغلو؛ و یک بار نیز در اصحاب امام رضا علیه السلام نوشته: یرمی بالغلو، بصری، ضعیف (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۳ و ۳۶۳). نجاشی نیز درباره اش می نویسد: ضعیف جداً لا یعول علیه فی شیء... لا یعمل بما تفرد به من الروایة (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۶۵). همچنین ابن غضائری نیز درباره وی نوشته است: ضعیف فی حدیثه، مرتفع فی مذهبه لا یلتفت الیه (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۹۱).

#### ۷. حسین بن مختار

برقی در دو جا از حسین بن المختار القلانسی نام برده، ولی ترجمه و اظهار نظری از او ندارد (برقی، ۱۳۴۲ق: ۲۶ و ۴۸). ابن غضائری نامی از وی نبرده است. نجاشی نیز بدون جرح و تعدیل نوشته: أبو عبدالله القلانسی کوفی. مولی أحمس من بجيلة، وأخوه الحسن یکنی أبا محمد ذکرا فیمن روی عن أبی عبدالله و أبی الحسن علیهما السلام له کتاب (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۸۱).

کشی نیز درباره وی نپرداخته است؛ اما شیخ طوسی، تصریح کرده که حسین بن المختار، واقفی است (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۶) و له کتاب (همو، ۱۴۱۷ق: ۱۰۷). علامه حلی نیز او را واقفی دانسته است (حلی، بی تا: ۲۳۲).

جمعی از علما روایات او را به دلیل واقفی بودن نمی پذیرند. برای نمونه، محقق حلی در المعتبر روایتی را نقل می کند که در سندش حسین بن المختار است و روایت را به خاطر او تضعیف می کند و می نویسد: «حسین بن مختار» هذا واقفی، و عملنا لیس الا لقبول الأصحاب لها (حلی، ۱۴۰۷ق: ۲۸۹). همچنین شیخ بهایی در مشرق الشمسین، در ذیل روایتی می نویسد: «الحسین بن المختار وهو واقفی واستناد العلامة فی المختلف إلى توثیق ابن عقدة له ضعیف لنقل ابن عقدة ذلك علن علی بن الحسین بن فضال وتوثیق واقفی بما ینقله زیدی عن فطحی لا یخفی ضعفه» (عاملی، ۱۴۱۴ق: ۲۰۰). هر چند که خویی دلیل واقفی بودن وی را تمام ندانسته و حتی در صورت واقفی بودن، ثقه بودن را برای وی قابل قبول دانسته است (خویی، ۱۹۸۳م: ج ۷، ۸۷).

#### ب. راویان مبهم، مهمل یا مجهول

### ۱. إِبْرَاهِيمَ بْنِ زِيَادِ الْخَارِقِي

وی مهمل است و نامی از او در کتب رجالی متقدم همانند برقی، ابن غضائری، نجاشی، کشی و طوسی نیامده است. شاید نام او تصحیف شده باشد و منظور «ابراهیم بن زیاد الخارقی الکوفی» باشد (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۵۷)؛ که البته وی نیز مجهول است. در کتب رجالی متأخر، فقط نامش در انحای مختلف همانند «ابراهیم بن زیاد الحارثی»، «ابراهیم بن الخارقی»، «ابراهیم الحارثی» و «ابراهیم الخارقی» ذکر شده است (برای نمونه، نک: خویی، ۱۹۸۳م: ج ۱، ۲۰۴ و ۳۲۶).

### ۲. أَبِي السَّفَاتِجِ

وی مجهول است و فقط چند روایت منقول از اوست. برقی درباره او نوشته: «ابراهیم ابوالسفاتج؛ لقب و یکنی إسحاق، و بعضهم یقول: یکنی أبا یعقوب السفاتج، و من قال هذا قال: اسمه إسحاق بن عبدالعزیز، و هو کوفی (برقی، ۱۳۴۲ق: ۲۹). ابن غضائری نیز فقط نام او را ذکر کرده و لقب «البزاز» علاوه بر برقی آورده است (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۱۳۱)؛ البته صاحب منهج المقال از قول وی نوشته است: قال ابن الغضائری: یعرف حدیثه تارة و ینکر اخری، و یجوز أن ینخرج شاهدها (استرآبادی، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۲۴۱). کشی نامی از او نبرده است. طوسی نیز در دو جای رجال خود، فقط نامی از او ذکر نموده است (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۱ و ۱۶۷).

### ۳. أَبِي الْمَغْرَاءِ

عنوان «أبی المغراء» در اسناد بسیاری از روایات آمده که بالغ بر ۱۷۴ مورد است. شاید در این اسناد کتاب الغیبة نعمانی، مراد از «أبی المغراء»، حمید بن مثنی باشد. حمید بن مثنی عجلی کوفی صیرفی عربی، از موالی قبیله بنی عجل (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۳۳) و صحابی امام صادق علیه السلام به شمار می آمد (برقی، ۱۳۴۲ق: ۲۱). برخی رجال نویسان وی را توثیق کرده و او را صاحب کتاب دانسته اند (برای نمونه، نک: طوسی، ۱۴۱۷ق: ۶۰).

### ۴. إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدِ الْخَزَاعِي

وی مهمل است و نامی از او در کتب رجالی متقدم همانند برقی، ابن غضائری، نجاشی، کشی و طوسی نیامده است. در کتب رجالی متأخر، فقط نامش ذکر شده است

(برای نمونه، نک: خوبی، ۱۹۸۳م: ج ۴، ۹۴).

شاید نام او تصحیف شده باشد و منظور «ابا اسحاق، إسماعیل بن محمد الحرانی» باشد؛ که البته وی نیز مجهول است.

#### ۵. سَعْدَانُ بْنُ مُسْلِمٍ

برقی، فقط نامش را در ذیل نام «الحارث بن حصیرة الأسدی» آورده است (برقی، ۱۳۴۲ق: ۴۰). نجاشی نیز فقط نام او را در کنار برخی راویان ذکر کرده است (برای نمونه: نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۳۱). کشی نامی از سَعْدَانُ بْنُ مُسْلِمٍ نبرده است.

طوسی در رجال فقط از او در اصحاب امام صادق علیه السلام نام برده (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۱۵) و در الفهرست نوشته: سعدان بن مسلم العامری، واسمه عبدالرحمان، و سعدان لقبه (همو، ۱۴۱۷ق: ۱۴۰).

بنابراین، جرح و تعدیلی نسبت به وی در منابع متقدم وجود ندارد. اما برخی رجالیان متأخر همانند مامقانی، وی را از محدثان مورد وثوق، استادی جلیل‌القدر و با منزلت دانسته است (مامقانی، ۱۳۴۹ق: ج ۳۱، ۴۶).

#### ۶. سَعِيدُ بْنُ غَزْوَانَ

سعید بن غزوان اسدی کوفی، اهل کوفه و از موالی بنی‌اسد است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۸۱). وی در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام یاد شده (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۰۵) و از آن حضرت و نیز ابوبصیر و ابان بن تغلب روایت کرده است (نک: خوبی، ۱۹۸۳م: ج ۹، ۱۳۴). وی دارای اصل است که محمد بن ابی‌عمیر آن را روایت نموده است (طوسی، ۱۳۵۶ق: ۷۷).

ابن‌غضائری نامی از سعید بن غزوان نبرده است. برقی، کشی و طوسی در رجال خود، فقط نام وی را ذکر کرده، ولی نظری درباره‌ او نداده‌اند (برقی، ۱۳۴۲ق: ۳۸؛ کشی، ۱۳۴۸ق: ج ۲، ۱۳۰؛ طوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۱۴)

طوسی در فهرست نوشته: ضعیف بابی‌المفضل و ابن‌بطه (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۳۰۹) ولی نجاشی او را از محدثان امامیه و مورد اعتماد رجالیون است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۸۱).

اینکه تمامی رجالیون متقدم جز نجاشی، درباره‌ سعید بن غزوان نظری نداده‌اند و



فقط در رجال نجاشی گفته شده که مورد اعتماد رجالیون است، و دیگران این نظر نجاشی را نقل یا حاشیه‌ای ندهاند، جای سؤال است. به نظر می‌رسد که وی در میان رجالیان، وضعیت رجالی او روشن نبوده است؛ و شاید نظر موجود در رجال نجاشی، از حواشی شخص دیگری غیر از مؤلف باشد.

#### ۷. عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدِ الْحَنَاطِ

ابن غضائری نامی از وی نبرده است. برقی، کشی و طوسی، فقط نام وی را ذکر کرده و نظری درباره‌ی نداده‌اند (برقی، ۱۳۴۲: ۴۰؛ کشی، ۱۳۴۸ق: ج ۱، ۳۶۷؛ طوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۶۲؛ همو، ۱۴۱۷ق: ۱۹۲) نجاشی نوشته: عاصم بن حمید الحنط الحنفی أبو الفضل، مولی، کوفی، ثقة، عین، صدوق: روی عن أبي عبدالله عليه السلام؛ له كتاب (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۰۱). همین نظرهای متقدمین، در کتب رجالی متأخر تکرار شده است (برای نمونه، نک: خوبی، ۱۹۸۳م: ج ۱۰، ۱۹۷).

اینکه تمامی رجالیون متقدم و متأخر، درباره‌ی عاصم بن حمید نظری نداده‌اند و فقط در رجال نجاشی از او به نیکی یاد شده، و دیگران این نظر نجاشی را نقل یا حاشیه‌ای ندهاند، جای سؤال است. بنابراین به نظر می‌رسد که وی نیز در میان رجالیان ناشناس است؛ و شاید نظر موجود در رجال نجاشی، از حواشی نسخه‌برداری‌های بعدی، و از غیر از مؤلف باشد.

#### ۸. عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ

عبدالرحمن بن سالم بن عبدالرحمن الأشل الكوفی، این راوی میان غالب رجالیون ناشناس است و جز اینکه راوی چندین روایت از صادقین عليهم السلام است، اطلاعی از او ارائه نشده است. تنها ابن غضائری درباره‌ی او اظهار نظر کرده، و نوشته: کوفی، مولی، روی عن ابوبصیر، ضعیف؛ و أبوه ثقة روی عن أبي جعفر و أبي عبدالله عليهم السلام (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۸۶). دیگران نیز همین نظر را از او تکرار نموده‌اند (برای نمونه، نک: حلی، ۱۳۸۱ق: ۲۳۹).

#### ۹. عَبْدُ اللَّهِ بْنِ حَمَادِ الْأَنْصَارِيِّ

نجاشی عبدالله بن حماد را از شیوخ اصحاب امامیه دانسته است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۱۸)؛ ولی ابن غضائری گرچه تعبیر ضعیف برای او به کار نمی‌برد، ولی می‌نویسد: او

تعدادی احادیث منکر دارد و صرفاً در مقام شاهد، می‌توان از وی روایت کرد (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۷۸).

شخصیت عبدالله بن حماد با پیچیدگی‌هایی روبه‌روست و طبقه او نیز محل بحث و گفت‌وگوست. آنچه درباره‌ی وی در منابع رجالی و حدیثی امامیه نقل شده، به‌شدت متناقض و با مشکلاتی روبه‌روست. ظاهراً نجاشی در توصیفش درباره‌ی عبدالله بن حماد در خصوص آنکه او «شیخ اصحاب» است؛ شاید وی را با شخص مشابه دیگری اشتباه گرفته است (انصاری، ۱۳۹۳ش).

با توجه به برخی روایاتی که از وی نقل شده، به نظر شاید او واقفی باشد؛ برای نمونه، در همین کتاب الغیبه نعمانی در روایتی از او آمده است: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ ع... فَقَالَ يَا حُمْرَانَ سَلْ تُجَبِّ وَ لَا تُنْفِقَنَّ دَنَانِيرَكَ فَقُلْتُ سَأَلْتُكَ بِقَرَأَتِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَالْقَائِمُ بِهِ قَالَ لَا قُلْتُ فَمَنْ هُوَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَقَالَ ذَاكَ الْمُشْرَبُ حُمْرَةَ الْغَائِرِ الْعَيْنِينَ الْمُشْرِفِ الْحَاجِبِينَ الْعَرِيضُ مَا بَيْنَ الْمُنْكَبِينَ بِرَأْسِهِ حَزَازٌ وَ بَوَجْهِهِ أَثَرُ رَحِمِ اللَّهِ مُوسَى» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۱۵).

مرحوم مجلسی نیز اشاره کرده که ممکن است واقفه بر صحت مذهب وقف، به این روایت تمسک کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۴۰).

### پ. جمع‌بندی ترجمه و وثاقت راویان ابوبصیر

با توجه به ترجمه‌ی راویان و وضعیت رجالی آن‌ها می‌توان دریافت عده‌ای از ایشان مهمل و مجهول و یا غیرمشهورند. همچنین اگر مسئله و موضوع غیبت و مهدویت را جز اعتقادات بدانیم؛ و این گفته‌ی حداقلی رجالیان که روایات واقفیان در مسائل عقیدتی مقبول نیستند (برای نمونه نک: نوری، ۱۳۸۲ق: ج ۳، ۶۲۳؛ معماری، ۱۳۷۷ش: ۵۷) را معیار قرار دهیم، تقریباً همه‌ی راویان ابوبصیر در الغیبه (جز چند مورد اندک) نامعتبرند. به عبارت دیگر، حداکثر حدود شش روایت که ممکن است از نظری سندی (آن‌هم فعلاً و فقط در مرحله‌ی راوی قبل از ابوبصیر) تقریباً بدون اشکال‌اند؛ که اگر روایات پیش‌تر این چند روایت نیز مورد نظر قرار گیرد، با توجه به مشکلات رجالی آن‌ها می‌توان گفت که تمام روایات ابوبصیر در کتاب الغیبه، از نظر سندی محل اشکال هستند.



از شانزده نفر راویان پیش از ابوبصیر در اسناد الغیبة که ذکر شد، آن‌ها که از گروه واقفی هستند، بیشترین تعداد یعنی حدود ۳۸ عدد، نقل روایت از ابوبصیر در الغیبة نعمانی را دارند. از سوی دیگر، اگر افراد مهمل و مجهول که از مذهب آن‌ها اطلاعی نداریم نیز فرضاً واقفی باشند، جمع روایات ابوبصیر در اسناد الغیبة از واقفیان، به حدود ۴۸ عدد از ۵۱ عدد خواهد رسید.

### ب. واقفیان و مسئله غیبت و مهدویت

واقفیان پس از امام صادق علیه السلام اعتقاد داشتند که امام صادق علیه السلام از دنیا نرفته، و پنهان شده (مجلسی، بی تا: ج ۱، ۲۷۹) و در غیبت به سر می‌برد (بحرانی، ۱۴۱۷ق: ۱۷۳؛ شبر، ۱۴۲۴ق: ج ۱، ۲۵۱) و زندگی جاویدان خواهد داشت (خاتمی، ۱۳۷۰ش: ۲۱۲) بنابراین امام صادق علیه السلام پس از مدتی ظهور خواهد کرد و با قیام مسلحانه (خالصی، ۱۳۷۸ش: ۸۲) یا قیام به شمشیر (شهرستانی، ۱۳۶۴ش: ج ۱، ۱۹۵؛ نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۶۷)، شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد (حمیری، ۱۹۷۲م: ۱۶۲)؛ یعنی امام صادق علیه السلام همان مهدی منتظر (نوبختی، ۱۴۰۴ق: ۶۷؛ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۱۹۶) یا مهدی قائمی است (شهرستانی، ۱۳۶۴ش: ج ۱، ۱۹۵؛ اشعری، ۱۴۰۰ق: ۲۵) که برخواهد گشت و دنیا را پس از فراگیر شدن ظلم و جور، پر از عدل و داد می‌کند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۰۵؛ بحرانی، ۱۴۱۷ق: ۱۹۵).

این واقفیان، اخبار مربوط به ائمه اثناعشر را قبول نمی‌کنند (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۱۹۶) و مهم‌تر آنکه از نخستین نویسندگانی هستند که کتاب الغیبة در بیان غیبت قائم نگاشته‌اند (غلامعلی، ۱۳۸۶ش).

واقفیان کتاب‌های فراوان و قابل توجهی در غیبت نوشته‌اند. حسن بطائنی که کتاب‌های الغیبة، القائم و نیز الرجعة را نگاشته (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۷)، طاطری از اساتید و بزرگان واقفی و حسن بن سماعه (۲۶۳ق) علی بن عمر الأعرج و علی بن محمد رباح (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۵۶ و ۲۶۰) نیز هریک کتابی با نام الغیبة دارند (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۴۰، ۴۲، ۲۵۵). افزون بر آن، عبدالله بن جبلة بن حیان واقفی (۲۱۹ق) نیز به‌صراحت در عنوان کتابش بیان کرده که اندیشه انتظار برای قائم ویژگی‌هایی خاص واقفیه دارد: «کتاب الصفة فی الغیبة علی مذاهب الواقعة» (همان: ۲۱۶).

میان زیدیه و واقفیه، ارتباط خوبی برقرار بوده است؛ به طوری که ابن عقده راوی بسیاری از کتاب‌های واقفیان بوده است (فرجامی، ۱۳۹۴ش: ۴۵۵). او به ویژه کتاب‌های راویان واقفی را با واسطه از طاطری نقل می‌کند (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۱۲، ۱۲۱، ۳۶۹، ۴۵۸) و از شاگردان حمید بن زیاد (۳۱۰ق)، استاد مشهور واقفیه بوده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۱۵۸ و ۱۷۲). قابل توجه است که در همین کتاب الغیبة نعمانی، ۲۲ روایت از ابن عقده به نقل از واقفیان همچون علی بن ابی حمزه وجود دارد؛ که ۱۶ تای آنها به نقل از ابوبصیرند (برای نمونه، نک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۷، ۵۱، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۳۴، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۵۳، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۶۹، ۳۰۷، ۳۲۰).

### پ. موضوعات و روایات مشکوک به جعل واقفیان

این روایات، شامل روایاتی است که واقفی بودن راوی مشخص است و روایات افراد مشکوک درج نشده است. موضوعات به ترتیب کثرت روایات در الغیبة (۱۳۹۷ق) عبارت‌اند از ۹ روایت ذیل «ما جاء فی العلامات التي تكون قبل قيام القائم عليه السلام و يدل علی أن ظهوره يكون بعدها كما قالت الأئمة عليهم السلام» (نک: همان: ۲۵۳، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۶۹ دو مورد، ۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۲)؛ ۷ روایت ذیل باب «ما روى في صفته و سيرته و فعله و ما نزل من القرآن فيه» (نک: همان: ۲۱۶، ۲۳۳ دو مورد، ۲۳۴، ۲۴۰، ۲۴۱ دو مورد)؛ ۵ روایت ذیل «ما روى فيما أمر به الشيعة من الصبر و الكف و الانتظار للفرج و ترك الاستعجال بأمر الله و تدبيره» (همان: ۱۹۴، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۰)؛ ۳ روایت ذیل «ما روى في غيبة الامام المنتظر الثاني عشر عليه السلام و ذكر مولانا أمير المؤمنين و الأئمة عليهم السلام بعده و إنذارهم بها» (همان: ۱۶۴ دو مورد، ۱۸۸)؛ ۳ روایت ذیل «ما جاء في المنع عن التوقيت و التسمية لصاحب الأمر عليه السلام» (همان: ۲۸۹ دو مورد، ۲۹۴)؛ دو روایت ذیل باب «ما جاء في ذكر راية رسول الله صلى الله عليه وسلم و أنه لا ينشرها بعد يوم الجمل إلا القائم عليه السلام» (همان: ۳۰۷)، ۲ روایت ذیل باب «ما جاء في ذكر جيش الغضب و هم أصحاب القائم عليه السلام و عدتهم و صفتهم و ما يتلون به» (۳۱۵، ۳۱۶)، دو روایت ذیل باب «ما روى أن القائم عليه السلام يستأنف دعاء جديدا و أن الاسلام بدأ غريبا و سيعود غريبا كما بدأ» (همان: ۳۲۱)، و ۲ روایت هم ذیل باب «ما جاء في أن من عرف إمامه لم يضره تقدم هذا الأمر أو تأخر» (همان: ۳۳۰)؛ و ۱ روایت هم ذیل هریک از این ابواب: «ما روى في صون

سر آل محمد علیه السلام عن لیس من أهله و النهی عن إذاعته لهم و اطلاقهم» (همان: ۳۷)، «ما جاء فی الامامة و الوصیة و أنهما من الله عزوجل و باختیاره و أمانة یؤدیها الامام إلی الامام بعده» (همان: ۵۱)، «ما روی فی أن الأئمة اثنا عشر إماما و أنهم من الله و باختیاره» (همان: ۹۶)، و «ما جاء فی ذکر أحوال الشیعة عند خروج القائم علیه السلام و قبله و بعده» (همان: ۳۲۰).

## ۹. نتیجه‌گیری

روایات کتاب الغیبة نعمانی با اسناد منتهی به ابوبصیر، حداقل حدود ۵۱ روایت هستند؛ اما کنیه ابوبصیر نامی مشترک میان اسناد حدیثی شیعه است که تعداد احادیث و روایات زیادی را به خود اختصاص داده است. ولی در تمامی روایات امامیه (جز چند عدد)، نام ابوبصیر بدون افزودن هیچ قیدی و پیشوند و پسوندی، در سلسله اسناد قرار گرفته است؛ این وضعیت باعث شده تا شناسایی و تفکیک این چند شخصیت، مخصوصاً دو ابوبصیر مرادی و اسدی هم عصر و مشهور، که هر دو در کوفه متوطن بوده و از روایان امام صادق علیه السلام بوده‌اند، از قطعیت برخوردار نباشد.

برای شناسایی روایان با نام مشترک و اعلام مجمل، از چند طریق می‌توان اقدام کرد؛ که هیچ‌کدام جواب‌گوی کشف هویت راوی در روایات ابوبصیر الغیبة نیست. بنابراین، جدای از فرض واقفی بودن ابوبصیر کتاب الغیبة، ناچاریم از بررسی رجالی شخص ابوبصیر عبور کرده و برای اعتبارسنجی روایات ابوبصیر در الغیبة نعمانی، روایان پیش از ابوبصیر را مورد ارزیابی قرار دهیم تا روایات ابوبصیر در الغیبة به این واسطه، اعتبارسنجی شوند.

با توجه به ترجمه روایان ابوبصیر و وضعیت رجالی آن‌ها، روشن شد که عده‌ای از ایشان مهمل و مجهول و یا غیرمشهور و غالباً واقفی هستند. همچنین، اگر مسئله و موضوع غیبت و مهدویت را جز اعتقادات بدانیم و این گفته حداقلی رجالیان را که روایات واقفیان در مسائل عقیدتی مقبول نیستند، معیار قرار دهیم، تقریباً همه روایان ابوبصیر در الغیبة، نامعتبر و از نظر سندی محل اشکال هستند.

از شانزده نفر روایان پیش از ابوبصیر، آن‌ها که از گروه واقفی هستند، بیشترین تعداد یعنی حدود ۳۸ عدد، نقل روایت از ابوبصیر در الغیبة نعمانی را دارند. از سوی

دیگر، اگر افراد مهمل و مجهول که از مذهب آن‌ها اطلاعی نداریم نیز فرضاً واقفی باشند، جمع روایات ابوبصیر در اسناد الغیبة از واقفیان، به حدود ۴۸ عدد از ۵۱ عدد خواهد رسید. واقفیان پس از امام صادق علیه السلام اعتقاد داشتند که امام صادق علیه السلام از دنیا نرفته و پنهان شده و در غیبت به سر می‌برد و زندگی جاویدان خواهد داشت. بنابراین امام صادق علیه السلام پس از مدتی ظهور خواهد کرد و با قیام مسلحانه یا قیام به شمشیر، شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد و او، همان مهدی منتظر یا مهدی قائمی است. واقفیان کتاب‌های فراوان و قابل توجهی در غیبت نوشته‌اند و اندیشه انتظار برای قائم از ویژگی‌هایی خاص ایشان است. با توجه به اینکه جز چند روایت اندک، همه روایات ابوبصیر در کتاب الغیبة از واقفیان است، به نظر می‌رسد که روایات انحرافی واقفیان در موضوع مهدویت به کتاب الغیبة سرایت کرده است. پیشنهاد می‌شود که بقیه روایات کتاب الغیبة نعمانی نیز از نظر سرایت از فرقه‌های مختلف واقفی، مورد بررسی قرار گیرد تا روایات مهدوی و غیبت، زلال شوند.

### پی‌نوشت

\* برای ملاحظه منابع و مصادر کتاب غیبت نعمانی، جدای از تحقیق علی‌اکبر غفاری برای مقدمه کتاب الغیبة، نک: شبیری زنجانی، ۱۳۸۵ (در چندین شماره مجله)؛ نیز معرفت، ۱۳۹۷ ش.

### منابع

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (بی‌تا). الذریعة. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر نشر اسلامی.
- \_\_\_\_\_ . (بی‌تا). من لا یحضره الفقیه. تهران: بی‌نا.
- ابن غضائری، احمد بن حسین. (۱۴۲۲ق). الرجال. به کوشش محمدرضا جلالی. قم: دارالحدیث.
- ابن ندیم، محمد. (بی‌تا). الفهرست. به کوشش رضا تجدد. تهران: بی‌نا.
- ابن داوود، حسن بن علی. (۱۳۸۳ق). الرجال. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (بی‌تا). معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة. نجف: المطبعة الحیدریة.
- اردبیلی، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). جامع الروات. قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی.
- استرآبادی، محمد بن علی. (۱۴۲۲ق). منهج المقال. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- اشعری، ابوالحسین. (۱۴۰۰ق). مقالات الاسلامیین. آلمان: فرانس شتاينر.

۱۳۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال پانزدهم، شماره سی‌ام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۱۰۳-۱۴۰

انصاری، حسن. (۱۳۹۳ش). کتاب الغیبة ابراهیم بن اسحاق الأحمري النهاوندى و متن آن، ضمن پایگاه اینترنتی بررسی‌های تاریخی.

بحرانی، ابن میثم. (۱۴۱۷ق). النجاة فی القيامة. قم: مجمع الفكر الاسلامی.

برقی، احمد بن محمد. (بی‌تا). المحاسن. قم: دارالکتب.

\_\_\_\_\_. (۱۳۸۳ش). رجال البرقی (کاظم موسوی میاموی، مصحح). تهران: دانشگاه تهران.

\_\_\_\_\_. (۱۳۴۲ق). رجال البرقی. تهران: بی‌نا.

پاکتچی، احمد. (۱۳۸۸ش). ابوبصیر. در دانشنامه بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعة. قم: آل‌البيت.

حلی، جعفر بن الحسن. (۱۴۰۷ق). المعتبر فی شرح المختصر. قم: سیدالشهداء علیه‌السلام.

حلی، حسن بن یوسف. (بی‌تا). خلاصة الاقوال. قم: نشر الفقاهة.

\_\_\_\_\_. (۱۳۸۱ق). رجال. نجف: بی‌نا.

حمیری، ابوسعید بن نشوان. (۱۹۷۲م). الحور العين. تحقیق کمال مصطفی. تهران: بی‌نا.

خاتمی، احمد. (۱۳۷۰ش). فرهنگ علم کلام. تهران: انتشارات صبا.

خاتمی، محسن. (۱۹۹۲م). فهارس بحار الانوار. بیروت: بی‌نا.

خالصی، محمدباقر. (۱۳۷۸ش). ده انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت امامت امام مهدی علیه‌السلام. قم: نشر اسلامی.

خصیبی، حسین بن حمدان. (۱۳۷۷ق). الهدایة الكبرى. بیروت: البلاغ.

خوبی، ابوالقاسم. (۱۹۸۳م). معجم رجال الحدیث. بیروت: بی‌نا (چاپ افست قم).

درایتی، مصطفی. (۱۳۹۱ش). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران. تهران: کتابخانه ملی.

شبر، عبدالله. (۱۴۲۴ق). حق الیقین. قم: انوار الهدی.

شبیری زنجانی، محمدجواد. (۱۳۸۵ش). نعمانی و مصادر غیبت. مجله انتظار، شماره ۱۸: ۲۲۸-۲۰۹.

شبیری زنجانی، موسی. (بی‌تا). حاشیه بر رساله عدیمة النظیر فی أحوال ابی بصیر. میراث حدیث شیعه، دفتر سیزدهم.

شوشتری، محمدتقی. (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال. قم: النشر الاسلامی.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۶۴ش). الملل و النحل (محمد بدران، محقق). قم: الشریف الرضی.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۵۶ق). الفهرست. به کوشش بحرالعلوم، نجف: بی‌نا.

\_\_\_\_\_. (۱۴۱۷ق). الفهرست. به کوشش جواد القیومی. قم: بی‌نا.

\_\_\_\_\_. (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: دارالتفاهة.



- \_\_\_\_\_ . (۱۴۲۵ق). کتاب الغیبة (عبدالله تهرانی، محقق). قم: المعارف الاسلامیة.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۱ق). رجال. به کوشش بحرالعلوم. نجف، بی‌نا.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۱۵ق). رجال طوسی. به کوشش جواد قیومی الاصفهانی. قم: بی‌نا.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۰ق). تهذیب الاحکام. به کوشش حسن موسوی خراسان. تهران: بی‌نا.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۰۳ق). علة الاصول. به کوشش محمدمهدی نجف، افست قم.
- عاملی، بهاء‌الدین (۱۴۱۴ق). مشرق الشمسین. مشهد: آستان قدس.
- غلامعلی، هدی. (۱۳۸۶ش). درآمدی بر غیبت‌نگاری. حدیث اندیشه، شماره ۳: ۳۸-۵۰.
- فایضی، طیبه. ۱۳۹۸ش. نقد و بررسی متنی و سندی احادیث باب پنجم کتاب الغیبة نعمانی. مطالعات علوم/اسلامی، ۱ (۱): ۷۸-۹۰.
- فرجامی، اعظم (۱۳۹۴ش). زبیدی و حدیث امامیه. قم: انتشارات دارالحدیث.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۳۴۸ق). اختیار معرفة الرجال. به کوشش حسن مصطفوی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب السلامیه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۸ق). الکافی. به کوشش علی‌اکبر غفاری. تهران: بی‌نا.
- کلباسی، ابوالهدی. (۱۴۱۹ق). سماء المقال. به کوشش محمد حسینی قزوینی. قم: مؤسسه ولی عصر علیه السلام.
- مامقانی، عبدالله. (۱۳۴۹ق). تنقیح المقال. نجف: چاپ سنگی.
- مجلسی، محمداقرب. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: الوفاء.
- \_\_\_\_\_ . (بی‌تا). حق‌الیقین. تهران: اسلامیه.
- محمدی مازندرانی، بشیر. (۱۴۲۵ق). مسند ابی‌بصیر. قم: دارالحدیث.
- مختاری، علیرضا. (۱۳۸۶ش). تحلیلی درباره احادیث غیبت در کتاب الغیبة نعمانی. علوم حدیث، شماره ۴۵: ۱۹۳-۲۱۹.
- معرفت، محمد. (۱۳۹۷ش). بازشناسی مصادر احادیث کتاب الغیبة نعمانی. مجله شیعه پژوهی، ۴ (۱۰): ۲۶-۵.
- معماری، داود. (۱۳۷۷ش). جایگاه و مبانی نقد متن در علوم حدیث. مجله دانشکده الهیات مشهد، شماره ۳۹، ۷۸-۵۷.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۳۹۸ق). الرسالة العددیه، ضمن الدر المثلث. قم: بی‌نا.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۱۳ق). الفصول المختاره. قم: کنگره شیخ مفید.
- موسوی خوانساری، محمدمهدی. (۱۳۸۴ش). رساله عدیمة النظر فی احوال ابی‌بصیر. میراث حدیث شیعه، شماره ۱۳: ۲۷۵-۴۴۶.

۱۳۶ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال پانزدهم، شماره سی‌ام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۱۰۳-۱۴۰

نادری، مرتضی. (۱۳۹۱ش). اعتبار و تداول کتاب الغیبة نعمانی. سفینه، ۱۰ (۳۷): ۱۷۵-۱۸۷.  
 نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). رجال نجاشی. به کوشش موسی زنجانی. قم: نشر اسلامی.  
 \_\_\_\_\_ . (۱۴۱۸ق). رجال نجاشی. به کوشش موسی زنجانی. قم: نشر اسلامی.  
 نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیبة. تهران: مکتبة الصدوق.  
 نوبختی، حسین بن موسی. (۱۴۰۴ق). فرق الشیعه. بیروت: دارالأضواء.  
 نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۳۸۲ق). مستدرک الوسائل. تهران: چاپ افست.

## References

- Aghabozur Tehrani, M. (n.b). Al Zaria men al Tassanif al Shia. Qom: IsmailianInstitute. [In Arabic]  
 AlamElhadi, A. (2010). Al-Muhaqamwa Al-Musabah message. Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Arabic]  
 Ameli, B. (1993). Al-mashregh Al-shamsi. Mashhad: Astan Quds. [In Arabic]  
 Ansari, H. (2014). Al-Ghaibah book by Ebrahim ibn Ishaq Al-Ahmari Al-Nahawandi and its text, as well as the website of historical reviews. [In Persian]  
 Ardabili, M. (1983). Jame Al-Rawat Qom: Ayatullah Marashi School. [In Arabic]  
 Ashari, A. (1980). Islamic articles. Germany: Franz Steiner.  
 Bahrani, A. (1996). Al-nejatFel-ghiamah. Qom: Jamal al-Fikr al-Islami. [In Arabic]  
 Barqi, A. (2004). Al-Rijal al-Barqi (K. Mousavi Miyamvi, revised). Tehran: University of Tehran. [In Arabic]  
 ----- (1924). Rijal al-Barqi Tehran: No publisher name. [In Arabic]  
 Barqi, A. (n.b). Al-Mahasen Qom: Darul Kitab. [In Arabic]  
 Culayni, M. (1987). Al-Kafi Tehran: Darul Kitab al-Salamieh. [In Arabic]  
 ----- (1388 AH). Al-Kafi By the effort of A. Gaffari Tehran: No publisher name. [In Arabic]  
 Deraiti M. (2013), catalogers of Iranian manuscripts, Tehran: National Library.[In Persian]  
 Estrabadi, M. (2001). Manhajalmaghal. Qom: Al-Bait Foundation. [In Arabic]  
 Farjami, A. (2015). Zaidiyyah and Imamiyyah hadith. Qom: Dar al-Hadith Publishing House. [In Persian]  
 Fayzi, F. (2018) Textual and documental review of the hadiths of the fifth chapter of the book of Al-GhaibahNomani. Studies in Islamic Sciences, 1 (1), 90-78. [In Persian]  
 Gholam Ali, M. (2007). An introduction to occultism. Hadith Andisheh, No. 3, 38-50. [In Persian]  
 Hilli, H. (n.b). KholasehAghval. Qom: Al-Fiqahah Publishing House. [In Arabic]  
 ----- (1961). men. Najaf: None. [In Arabic]  
 Hilli, J. (1987). Al-Matbar in the short description. Qom: Seyyed al-Shohadah. [In Arabic]  
 Himyarī, A. (1972). Al-Hoor Al-Ain Research by Kamal Mustafa. Tehran: No publisher name. [In Arabic]  
 Hurr Ameli, M. (1995). Al-vasael Al-Shiite. Qom: Al-Al-Bait. [In Arabic]

- Ibn Babiwyh, M. (1992). Ma la Yahdrah al-Faqih. Qom: Islamic Publishing House. [In Arabic]
- Ibn Babiwyh, M. (n.b). Ma laYahdrah al-Faqih. Tehran: No publisher name. [In Arabic]
- Ibn Dawood, h. (1963). Al-rijalTehran: University of Tehran. [In Arabic]
- Ibn Ghazaeri, A. (2001). Al-rijal By the effort of M. Jalali . Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Ibn Nadim, M. (n.b). Al-fehrest By the effort of R. Tajd d. Tehran: No publisher name. [In Arabic]
- IbnshahrAshob, m. (n.b). Maealem al olama in the list of books of Shia. Najaf: Al-Muttaba Al-Haydariyyah.[In Arabic]
- Kalbasi, A. (1998). Sama al-Maqal By the effort of M. Hosseini Qazvini Qom: Vali Asr Institute□.[In Arabic]
- Kashshi, M. (1929). Al ekhtiar Maerefat al-rejal. By the effort of H. Mostafavi, Mashhad: Ferdowsi University. [In Arabic]
- Khalisi, M. (1999). Ten criticisms and answers about the absence of the Imamate of Imam Mahdi. Qom: Islamic Publishing House.[In Persian]
- Khasibi (1985). Al-Hadaiya Al-Kobra Beirut: Al-Balagh. [In Arabic]
- Khatami, A. (1991). The culture of rhetoric. Tehran: Saba Publications.[In Persian]
- Khatami, M. (1992). Fahars Bihar Al Anwar. Beirut: No publisher name.[In Arabic]
- Khoei, A. (1983). The dictionary of Rijal al-Hadith. Beirut: No publisher name (Qom offset printing). [In Arabic]
- (1997). The dictionary of Rijal al-Hadith. Qom: Al-Nashar al-Islami. [In Arabic]
- Majlesi, M. (1983). Bihar Al-Anwar Beirut: Al-Wafa. [In Arabic]
- (n.b). Al haghalyaghin. Tehran: Islamia. [In Persian]
- Mamaqani, A. (1930). Tanghihalmaghal. Najaf: Lithograph. [In Arabic]
- Ma'rifat, M. (2017 AD). Recognizing the sources of hadiths in Al-GhaibahNomani's book. Journal of Shia Studies 4 (10). [In Persian]
- Memari, d. (1998). The position and basics of text criticism in hadith sciences. Mashhad Faculty of Theology Magazine, No. 39, 57-78.[In Persian]
- Mohammadi Mazandarani, b. (1425 AH). Masnad Abi Basir. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
- Mokhtari, A. (2016). An analysis of the hadiths of occultation in the book Al-GhaibahNomani. Hadith Sciences, No. 45, 219-193.
- Mousavi Khansari, M. (2014). Adimah al-Nazir's message in Abi Basir's condition. Shia Hadith Heritage, No. 13, 446-275. [In Arabic]
- Mufid, M. (1978). Al-Rasalah al-Addadiah, in Al-Dar Al-Manthur. Qom: No publisher name. [In Arabic]
- (1992). Al-Fusul al-Mukhtarah. Qom: Sheikh Mufid Congress. [In Arabic]
- Naderi, M. (2013). The validity and circulation of Al-GhaibahNomani's book. Safina, 10 (37), 175-187.[In Persian]
- Najashi, A. (1987). Rijal Najashi By the effort of M. Zanjani Qom: Islamic Publishing House. [In Arabic]
- (1997). Rijal Najashi By the effort of M. Zanjani Qom: Islamic Publishing House. [In Arabic]

- Nobakhti, H. (1984). Farq al-Shia Beirut: Dar al-Awtah. [In Arabic]
- Nouri, H. (1962). Mustardak al-Wasail. Tehran: Offset printing. [In Arabic]
- Numani, M. (1977). AL-gheibah. Tehran: Al-Sadouq School. [In Arabic]
- Pakatchi, A. (2009). Abu Basir In the great Islamic encyclopedia. Tehran: The Center of the Great Islamic Encyclopaedia.[In Persian]
- Shahrasthani, M. (1986). Al-Mallal and Al-Nihal (M. Badran, researcher). Qom: Al-Sharif al-Razi. [In Arabic]
- Shobiri Zanjani, M. (2016). Nomani and sources of occultation. Attariz Magazine, No. 18, 209-228. [In Persian]
- Shobiri Zanjani, M. (n.b). Margins on the message of Adima al-Nazir in the conditions of Abi Basir. Heritage of Shia Hadith, Book 13. [In Arabic]
- Shubbar, A. (2003). Al-hagh Al-yaghin. Qom: Anwar Al-Hadi. [In Arabic]
- Shushtari, M. (1990). Qamus al-Rijal. Qom: Al-Nashar al-Islami.
- Tusi, M. (1937). al-Fihrist. By the efforts of Bahrul Uloom, Najaf: No publisher name. [In Arabic]
- (1996). al-Fihrist. By the effort of J. Al-Qayoumi Qom: No publisher name. [In Arabic]
- (1993). Al-Amali Qom: Dar al-Thaqafa. [In Arabic]
- (2004). Kitab al-Ghaibah (A. Tehrani, researcher). Qom: Islamic Encyclopaedias. [In Arabic]
- (1961). Al-Rijal. By the efforts of Bahrul Uloom. Najaf, No publisher name. [In Arabic]
- (1994). Alrij al-Toosi By the effort of J. Qayyumi al-Isfahani. Qom: No publisher name. [In Arabic]
- (1970). Altahzib Al-ahkam. By the effort of H. Mousavi Khorsan. Tehran: No publisher name. [In Arabic]
- (1983). Al-edaah Alvosul By the effort of M. Najaf, Qom offset. [In Arabic]

## Validation of Abu Basir's hadiths in Nu'man's al-Dhaybah

**Kazem Ostadi**

Master graduate, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Quran and Hadith, Qom, Iran; kazemostadi@gmail.com

Received: 09/05/2022

Accepted: 15/08/2022

### Introduction

Muhammad ibn Ibrahim Nu'mani, who has known as Ibn Abi Zaynab (360 AH), a Shiite theologian and muhaddith of the fourth century, whose his most famous and most reliable and accessible work is Kitab al-Dhaybah; It was written at the beginning of the period of big absence "Dhayba Kubra" and with the prolonged absence of Imam Zama (a.s.). He explained the Imamate and the secret of the disappearance of the 12th Imam in al-Dhaybah. According to evidence, the Book of al-Ghaybah was written in Aleppo in 342 AH and now, in its existing versions, it has about 26 chapters and 445 hadiths. On the other hand, the most numerous transmitter of Shia hadith in the second century of Hijri is Abu Başir; About four thousand traditions have been narrated from him. Also, the largest amount of traditions of Mahdism and occultation belong to Abu Başir. This issue can be seen in the earlier books about Imam Zaman (a.s.), such as Nu'mani's al-Ghaybah with more than 51 traditions, Kamal al-Dīn Ibn Bābiwayh's with about 38 traditions, and Sheikh Tūsi's al-Ghaybah with about 30 traditions.

### Materials and Methods

As regards that the largest amount of Mahdism and occultation traditions belongs to Abu Başir and in the book al-Ghaybah Numāni, about 11 transmitters have attributed the largest amount of traditions (51 traditions) to him, and considering this large number of traditions Abu Basir regarding the issue of occultism and Mahdism, we are faced with questions such as: Why are most of the traditions of occultism from Abu Basir? Does this situation have nothing to do with the deviant sects created during the time of Ṣādiqayn (pbuh) and the issue of occultation and Mahdism? And on the other hand, are these tradiions authentic? Although there are many articles, books and works about the review or introduction of al-Ghaybah Nomani's book, each of them have paid attention to aspects of this book, as education or criticism. Some

works have also dealt with the marginal and analytical aspects, or the historical and theological approaches of al-Ghaybah Nomani; However, none of these articles and works have specifically addressed the validation of Abu Basir's traditions in al-Ghaybah Nu'mani by "examining its rijali". In this research, in addition to the statistical report of Abu Basir's traditions, with the method of library research and referring to related hadith and religious sources, the status of his religious life and his transmitters in al-Ghaybah Nu'mani has been investigated with regard to those questions.

### **Results and Discussion**

According to the research carried out on the transmitters of Abu Basir in al-Ghaybah, it was found that most of the transmitters of Abu Basir's hadiths in al-Ghaybah are religiously corrupt, Ghālī, inattentive and unknown. Out of the sixteen transmitters before Abu Basir in al-Ghaybah documents that were mentioned, those who are from the Wāqfī group, the largest number, about 38, have the tradition of Abu Basir in al-Ghaybah Nu'mani. On the other hand, if the ignorant and unknown people whose religion we do not know are supposed to be Wāqfīs, the total number of traditions of Abu Basir in the al-Ghaybah documents of the Wāqifs will be about 48 out of 51.

### **Conclusion**

Since the Wāqfīs have written many significant books in the occult and the idea of waiting for the Qā'im is one of their special characteristics. As a result of except for a few traditions, all of Abu Basir's traditions in al-Ghaybah book are from the Wāqfīs, it seems that the deviant traditions of the Wāqfians in search of Mahdism have spread to the al-Ghaybah book; And these traditions of Mahdavi narrated by Abu Basir are not authentic.

**Keywords:** al-Ghaybah Nu'mani, Abū Baṣīr, Wāqfīyah, Mahdavi traditions, occultation.